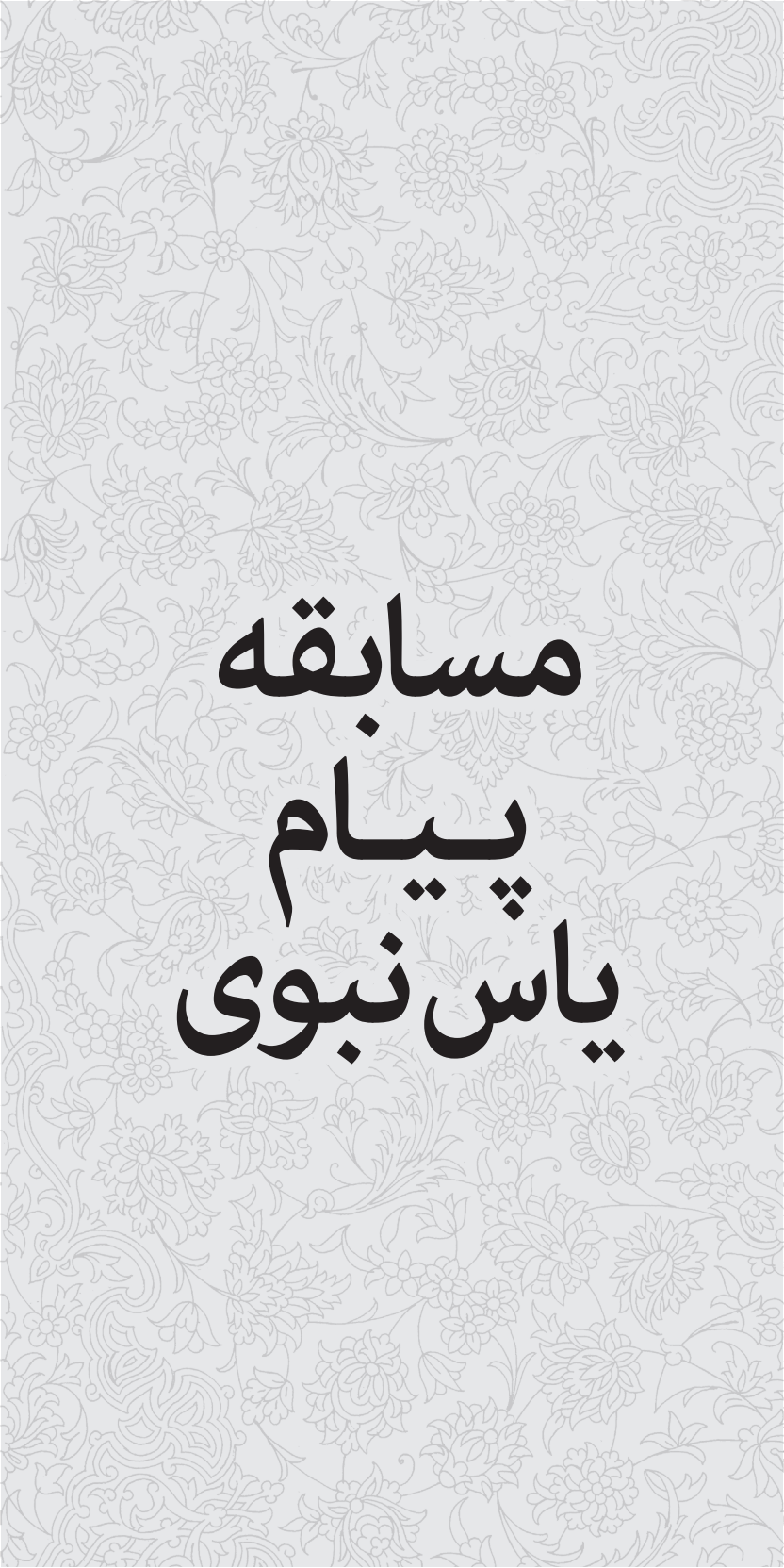




مسابقه پیام یاس نبوی



مسابقه پیام یاس نبوی

خطبه حضرت زهرا (س) «خطبه فدکیه»

ناشر: معاونت فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه

چاپ: اسوه

نوبت چاپ: اول - بهار ۱۳۹۱

شمارگان: ۱,۰۰۰,۰۰۰ نسخه

سایت سازمان: www.awqaf.ir

سایت معاونت: www.mfso.ir

سایت مجتمع: www.mfpo.ir

آدرس: تهران، خ نوفل لوشاتو، سازمان اوقاف و امور خیریه، معاونت فرهنگی

آدرس مجتمع: قم خیابان صفاییه کوی ممتاز کوچه ۷ پلاک ۳۲ مجتمع

فرهنگی پژوهشی معاونت فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه

تلفن: ۰۲۵۱-۷۷۴۶۴۳۱ فکس: ۰۲۵۱-۷۷۳۷۱۳۱



پیشگفتار

در بیان و وصف مقام قدسی حضرت صدیقه طاهره، فاطمه زهرا(س)، عقول حیرانند و قلم ها از حرکت و زبان ها از سخن گفتن باز می مانند. نگاهی به احادیثی که مقام این بانوی قدسی را بیان می کند، گوشه هایی از عظمت این مقام نورانی را آشکار می سازد.

زندگی کوتاه سرور زنان دو عالم سراسر بندگی بود و مورد رضایت حضرت حق؛ تا آنجا که رسول خدا(ص) خطاب به پاره تنش فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ يَغْضِبُ لَغَضْبِكَ وَ يَرْضَى لِرِضَاكَ؛ همانا خداوند از خشمم تو خشنماک، و از خشنودی تو خشنود می شود.»

از جمله نکات برجسته و مهمی که در زندگی این بانوی الهی همچون خورشید می درخشد و مسیر سعادت را برای رهپویان طریق بندگی روشن می سازد «دفاع از حریم ولایت و امامت» است.

نور چشمان نبی با هر روشی به دفاع از امام زمان خویش پرداخت. او زمانی با خطابه ای بی نظیر در پی استیفای حق حجت مظلوم خدا بود، زمانی با اشک و آه به مجاهدت در راه حق پرداخت، و زمانی دیگر یک تنه در مقابل منافقین امت ایستاد و متحمل ضربات و صدمات شدیدی شد که منجر به شهادت حضرتش گردید. حتی وصیت ریحانه نبی(ص) در مورد نحوه ی تشییع و کفن و دفن شبانه، حرکتی بود برای افشای ماهیت دشمنان خدا و رسول خدا(ص).

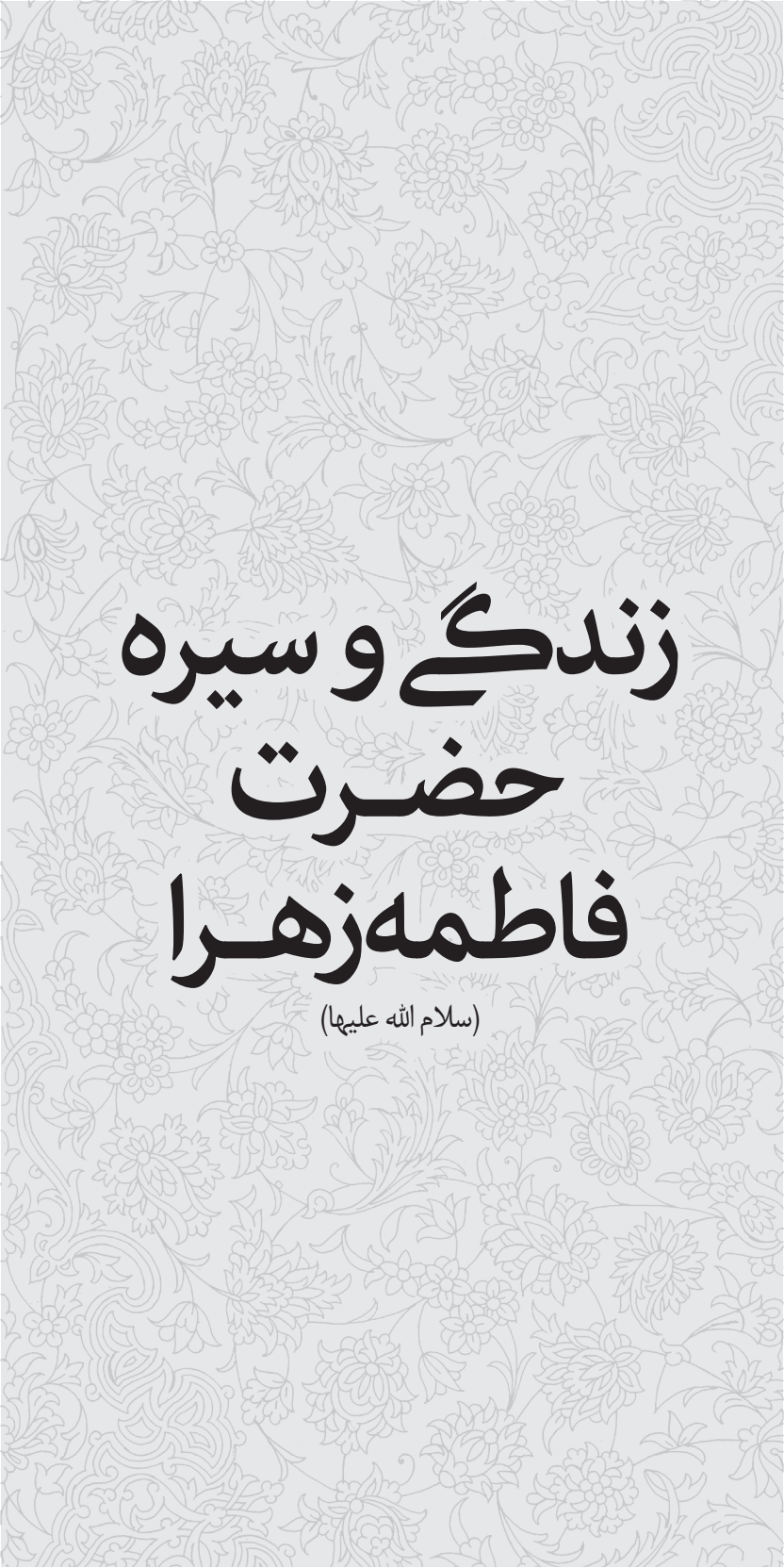
ام ابیها(س)، اولین و اصلی ترین وظیفه خود را یاری رساندن به حجت خدا حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) می دانست و در انجام این وظیفه، حق خویش را بطور کامل و جامع ادا نمود. به طوری که حضرت مولی الموحدین(ع) با از دست دادن این یار و حامی مظلومش، با رسول خدا(ص) درد دل می کند و برای تحمل این فراق و مصیبت جانکاه به خدا پناه می برد.

خطبه فدکیه سرشار از معارف الهی و بیان گر مظلومیت خاندان رسالت است. حضرت فاطمه(س) در این خطبه با بیان معارف الهی و دفاع از حقانیت ولایت و امامت، دستگاه غاصب خلافت را زیر سؤال برده و دلایل و توجیهات آن را با منطق قرآنی باطل می‌کنند. ایشان با تأکید به اهمیت و وجوب یاری رساندن به حجت خدا و مجاهدت در راه حق، مردم را مورد عتاب قرار داده و آنها را نسبت به سرانجام این بی‌توجهی و رویگردانی از حق بیم می‌دهند. با دقت در این خطبه و اعتراف دشمنان به فضائل خاندان رسالت و نحوه برخورد و رفتارشان با این خاندان، سؤالات بسیاری برای هر حق جویی مطرح می‌شود. آیا ایمان فقط به گفتار است؟ آیا دروغ بستن به پیامبر خدا(ص) جایز است؟ آیا کسی که به رسول خدا(ص) دروغ می‌بندد شایستگی زمامداری مسلمین را دارد؟ آیا رویگردانی از حق و مخالفت با قرآن و پیروی از هوای نفس و همراهی با شیطان دینداری محسوب می‌شود؟ سرانجام کسانی که دینی غیر از اسلام اختیار کنند، چیست؟... بیان معارف عمیق اعتقادی در این خطبه و همچنین پرده‌برداری از انگیزه و هدف سران سقیفه که به نام دین و قرآن با حق به مقابله پرداختند، لزوم مطالعه و دقت نظر در خطبه فدکیه را بیشتر آشکار می‌سازد.

معاونت فرهنگی حسب الامر نماینده محترم ولی فقیه و سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه مبنی بر تعمیق و گسترش باورهای دینی و افزایش بصیرت عمومی در دفاع از ولایت، بهترین سند و روشن ترین منشور حمایت از ولایت(خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها) را برای سومین سال پیاپی در تیراژ میلیونی به صورت گسترده و در قالب مسابقه سراسری پیام یاس نبوی در سطح کشور چاپ و توزیع می‌نماید.

امید آنکه این اقدام و عمل به محتوای الهی گونه فرمایشات سیده نساء العالمین راهگشای دوران‌های کور فتنه و مرضی درگاه حضرت حق قرار گیرد.

معاونت فرهنگی
سازمان اوقاف و امور خیریه



زندگے و سیرہ حضرت فاطمہ زہرا

(سلام اللہ علیہا)

فاطمه (س) در نزد مسلمانان برترین و والامقام ترین بانوی جهان در تمام قرون و اعصار می باشد. این عقیده بر گرفته از مضامین احادیث نبوی است. این طایفه از احادیث، اگر چه از لحاظ لفظی دارای تفاوت هستند، اما دارای مضمونی واحد می باشند. در یکی از این گفتارها (که البته مورد اتفاق مسلمانان، اعم از شیعه و سنی است)، رسول اکرم (ص) می فرماید:

فاطمه سرور زنان جهانیان است.

اگر چه بنابر نص آیه شریفه قرآن، حضرت مریم برگزیده زنان جهانیان معرفی گردیده و در نزد مسلمانان دارای مقامی بلند و عفت و پاکدامنی مثال زدنی می باشد و از زنان برتر جهان معرفی گشته است، اما او برگزیده ی زنان عصر خویش بوده است. ولی علو مقام حضرت زهرا (س) تنها محدود به عصر حیات آن بزرگوار نمی باشد و در تمامی اعصار جریان دارد. لذاست که پیامبر اکرم (ص) در کلامی دیگر صراحتاً فاطمه (س) را سرور زنان اولین و آخرین ذکر می نمایند. ما در این قسمت به طور مختصر و با رعایت اختصار، به مطالعه شخصیت و زندگانی آن بزرگوار خواهیم پرداخت.

نام، القاب، کنیه ها

نام مبارک آن حضرت، فاطمه (س) است و از برای ایشان القاب و صفات متعددی همچون زهرا، صدیقه، طاهره، مبارکه، بتول، راضیه، مرضیه، نیز ذکر شده است.

فاطمه، در لغت به معنی بریده شده و جدا شده می باشد و علت این نامگذاری بر طبق احادیث نبوی، آنست که: پیروان فاطمه (س) به سبب او از آتش دوزخ بریده، جدا شده و برکنارند.

زهرا به معنای درخشنده است و از امام ششم، امام صادق (ع) روایت شده است که:

چون دخت پیامبر در محرابش می ایستاد
(مشغول عبادت می شد)، نورش برای اهل
آسمان می درخشید؛ همان طور که نور ستارگان
برای اهل زمین می درخشد.

صدیقه به معنی کسی است که به جز راستی چیزی از او صادر نمی شود. طاهره به معنای پاک و پاکیزه، مبارکه به معنای با خیر و برکت، بتول به معنای بریده و دور از ناپاکی، راضیه به معنای راضی به قضا و قدر الهی و مرضیه یعنی مورد رضایت الهی.

کنیه‌های فاطمه (س) نیز عبارتند از ام الحسین، ام الحسن، ام الائمہ، ام ابیہا و...

ام ابیہا به معنای مادر پدر می‌باشد و رسول اکرم (ص) دخترش را با این وصف می‌ستود؛ این امر حکایت از آن دارد که فاطمه (س) بسان مادری برای رسول خدا بوده است. تاریخ نیز گواه خوبی بر این معناست؛ چه هنگامی که فاطمه در خانه پدر حضور داشت و پس از وفات خدیجه (س) غمخوار پدر و مایه پشت گرمی و آرامش رسول خدا (ص) بود و در این راه از هیچ اقدامی مضایقه نمی‌نمود، چه در جنگها که فاطمه بر جراحات پدر مرهم می‌گذاشت و چه در تمامی مواقع دیگر حیات رسول خدا (ص).

ولادت

فاطمه (س) در سال پنجم پس از بعثت و در روز ۲۰ جمادی الثانی در مکه به دنیا آمد. چون به دنیا پانهاد، به قدرت الهی لب به سخن گشود و گفت:

شهادت می‌دهم که جز خدا، الهی نیست
و پدرم رسول خدا و آقای پیامبران است و
شوهرم سرور اوصیاء و فرزندانم (دو فرزندم)
سرور نوادگان می‌باشند.

مکارم اخلاق

سراسر زندگانی صدیقه طاهره (س)، مملو از مکارم اخلاق و رفتارهای نمونه و انسانی است. ما در این مجال جهت رعایت اختصار تنها به دو مورد اشاره می‌نماییم. اما دوباره تأکید می‌کنیم که این موارد، تنها بخش کوچکی از مکارم اخلاقی آن حضرت است.

۱. از جابر بن عبدالله انصاری، صحابی پیامبر (ص) منقول است که: مردی از اعراب مهاجر که فردی فقیر مستمند بود، پس از نماز عصر از رسول اکرم (ص) طلب کمک و مساعدت نمود. حضرت فرمود که من چیزی ندارم. سپس او را به خانه فاطمه (س) که در کنار مسجد و در نزدیکی خانه رسول خدا قرار داشت، راهنمایی نمودند. آن شخص به همراه بلال (صحابی و مؤذن رسول خدا) به در خانه حضرت فاطمه (س) آمد و بر اهل بیت رسول خدا سلام گفت و سپس عرض حال نمود. حضرت فاطمه (س) با وجود اینکه سه روز بود خود و پدر و همسرش در نهایت گرسنگی به

سر می‌بردند، چون از حال فقیر آگاه شد، گردن‌بندی را که فرزند حمزه، دختر عموی حضرت به ایشان هدیه داده بود و در نزد آن بزرگوار یادگاری ارزشمند محسوب می‌شد، از گردن باز نمود و به اعرابی فرمود: این را بگیر و بفروش؛ امید است که خداوند بهتر از آن را نصیب تو نماید. اعرابی گردن‌بند را گرفت و به نزد پیامبر اکرم (ص) بازگشت و شرح حال را گفت. رسول خدا (ص) از شنیدن ماجرا، متأثر گشت و اشک از چشمان مبارکش فرو ریخت و به حال اعرابی دعا فرمود. عمار یاسر (از اصحاب پیامبر) برخاست و اجازه گرفت و در برابر اعطای غذا، لباس، مرکب و هزینه سفر به اعرابی، آن گردن‌بند را از او خریداری نمود. پیامبر اسلام (ص) از اعرابی پرسید: آیا راضی شدی؟ او در مقابل، اظهار شرمندگی و تشکر نمود. عمار گردن‌بند را در پارچه‌ای یمانی پیچیده و آن را معطر نمود و به همراه غلامش به پیامبر هدیه داد. غلام به نزد پیامبر (ص) آمد و جریان را باز گفت. حضرت رسول (ص) غلام و گردن‌بند را به فاطمه (س) بخشید. غلام به خانه‌ی صدیقه اطهر آمد. زهرا (س)، گردن‌بند را گرفت و غلام را در راه خدا آزاد نمود.

گویند غلام در این هنگام تبسم نمود هنگامی که علت را جویا شدند، گفت: چه گردن‌بند با برکتی بود، گرسنه‌ای را سیر کرد و برهنه‌ای را پوشانید، پیاده‌ای را صاحب مرکب و فقری را بی‌نیاز کرد و غلامی را آزاد نمود و سرانجام به نزد صاحب خویش بازگشت.

۲. رسول خدا (ص) در شب زفاف پیراهن نویی را برای دختر خویش تهیه نمود. فاطمه (س) پیراهن وصله‌داری نیز داشت. سائلی بر در خانه حاضر شد و گفت: من از خاندان نبوت پیراهن کهنه می‌خواهم. حضرت زهرا (س) خواست پیراهن وصله‌دار را مطابق خواست سائل به او بدهد که به یاد آیه شریفه «هرگز به نیکی دست نمی‌یابید مگر آنکه از آنچه دوست دارید انفاق نمایید» افتاد. در این هنگام فاطمه (س) پیراهن نو را در راه خدا انفاق نمود.

ازدواج و فرزندان آن حضرت

صدیقه کبری خواستگاران فراوانی داشت. نقل است که عده‌ای از نامداران صحابه از او خواستگاری کردند. رسول خدا (ص) به آنها فرمود که اختیار فاطمه در دست خداست. سرانجام جبرئیل بر پیامبر (ص) نازل شد و گفت:

ای محمد(ص)! خدا بر تو سلام می‌رساند
و می‌فرماید فاطمه(س) را به عقد علی(ع)
درآور، خداوند علی(ع) را برای فاطمه(س) و
فاطمه(س) را برای علی(ع) پسندیده است.

امام علی(ع) نیز از خواستگاران فاطمه(س) بود و حضرت
رسول(ص) بنا بر آنچه که ذکر گردید، به امر الهی با این وصلت
موافقت نمود. در روایات متعددی نقل گشته است که پیامبر اکرم
(ص) فرمود: «گر علی نبود، فاطمه همتایی نداشت.» بدین ترتیب
بود که مقدمات زفاف فراهم شد. حضرت فاطمه(س) با مهری
اندک (بر خلاف رسوم جاهلی که مهر بزرگان بسیار بود) به خانه
امام علی(ع) قدم گذارد. ثمره این ازدواج مبارک، پنج فرزند به
نام‌های حسن، حسین، زینب، ام‌کلثوم و محسن.

فاطمه (سلام الله علیها) در خانه

فاطمه(س) با آن همه فضیلت، همسری نیکو برای امیر مؤمنان
بود. تا جایی که روایت شده هنگامی که علی(ع) به فاطمه(س)
می‌نگریست، غم و اندوهش زوده می‌شد. فاطمه(س) هیچگاه
اموری را که می‌پنداشت امام علی(ع) قادر به تدارک آنها نیست،
از او طلب نمی‌نمود. اگر بخواهیم هر چه بهتر رابطه زناشویی آن
دو نور آسمان فضیلت را بررسی نماییم، نیکوست از امام علی(ع)
بشنویم؛ چه آن هنگام که در ذیل خطبه‌ای به فاطمه(س) با عنوان
بهترین بانوی جهانیان مباحثات می‌نماید و او را از افتخارات خویش
بر می‌شمرد و یا آن هنگام که می‌فرماید:

«به خدا سوگند که او را به خشمم در نیاوردم
و تا هنگامی که زنده بود، او را وادار به کاری
که خوشش نیاید ننمودم؛ او نیز مرا به خشم
نیاورد و نافرمانی هم ننمود.»

مقام حضرت زهرا(س) و جایگاه علمی ایشان

فاطمه زهرا(س) در نزد شیعیان اگر چه امام نیست، اما مقام و
منزلت او در نزد خداوند و در بین مسلمانان به خصوص شیعیان،
نه تنها کمتر از سایر ائمه نیست، بلکه آن حضرت همتای امیر
المؤمنین و دارای منزلتی عظیم‌تر از سایر ائمه طاهرین (علیهم
السلام) می‌باشد.

اگر بخواهیم مقام علمی فاطمه (س) را درک کنیم و به گوشه‌ای از آن پی ببریم، شایسته است به گفتار او در خطبه فدکیه بنگریم. چه آنجا که استوارترین جملات را در توحید ذات اقدس ربوبی بر زبان جاری می‌کند، یا آن هنگام که معرفت و بینش خود را نسبت به رسول اکرم (ص) آشکار می‌سازد و یا در محالی که در آن خطبه، امامت را شرح مختصری می‌دهد. جای جای این خطبه و احتجاجات این بانوی بزرگوار به قرآن کریم و بیان علت تشریع احکام، خود سندی محکم بر اقیانوس بی‌کران علم اوست که متصل به مجرای وحی است. از دیگر شواهدی که به آن وسیله می‌توان گوشه‌ای از علو مقام فاطمه (س) را درک نمود، مراجعه زنان و یا حتی مردان مدینه در مسائل دینی و اعتقادی به آن بزرگوار می‌باشد که در فرازهای گوناگون تاریخ نقل شده است. همچنین استدلال‌های عمیق فقهی فاطمه (س) در جریان فدک، به روشنی بر احاطه فاطمه (س) بر سراسر قرآن کریم و شرایع اسلامی دلالت می‌نماید.

مقام عصمت

در بیان عصمت فاطمه (س) و مصونیت او نه تنها از گناه و لغزش بلکه از سهو و خطا، استدلال به آیه تطهیر ما را بی‌نیاز می‌کند. ما در این قسمت جهت جلوگیری از طولانی شدن بحث، تنها اشاره می‌نماییم که عصمت فاطمه (س) از لحاظ کیفیت و ادله اثبات همانند عصمت سایر ائمه و پیامبر می‌باشد.

بیان عظمت فاطمه (س) از زبان پیامبر (ص)

رسول اکرم (ص)، بارها و بارها فاطمه (س) را ستود و از او تجلیل نمود. در مواقع بسیاری می‌فرمود: «پدرش به فدایش باد!»

و گاه خم می‌شد و دست او را می‌بوسید. به هنگام سفر از آخرین کسی که خداحافظی می‌نمود، فاطمه (س) بود و به هنگام بازگشت به اولین محلی که وارد می‌شد، خانه او بود.

عامه محدثین و مسلمانان از هر مذهب و با هر عقیده‌ای، این کلام را نقل نموده‌اند که حضرت رسول (ص) می‌فرمود:

«فاطمه پاره تن من است هر کس او را بیازارد مرا آزرده است.»

از طرفی دیگر، قرآن کریم پیامبر (ص) را از هر سخنی که منشأ آن هوای نفسانی باشد، به دور دانسته و صراحتاً بیان می‌دارد که هر

چه پیامبر (ص) می فرماید، سخن وحی است. پس می توان دریافت که این همه تجلیل و ستایش از فاطمه (س)، علتی ماورای روابط عاطفی مابین پدر و فرزند دارد. پیامبر اکرم (ص) نیز خود به این مطلب اشاره می فرمود. گاه در جواب خرده گیران، لب به سخن می گشود که خداوند مرا به این کار امر نموده و یا می فرمود:

«من بوی بهشت را از او استشمام می کنم.»

فاطمه (سلام الله علیها) و فدک

از دیگر ستم‌هایی که پس از ارتحال پیامبر در حق فاطمه (س) روا داشته شد، مسئله فدک بود. فدک قریه‌ای است که تا مدینه حدود ۱۶۵ کیلومتر فاصله دارد و دارای چشمه جوشان و نخل‌های فراوان خرماس‌ت و خطه‌ای حاصل خیز می باشد. این قریه متعلق به یهودیان بود و آن را بدون هیچ جنگی به پیامبر (ص) بخشیدند؛ لذا مشمول اصطلاح انفال می گردد و بر طبق صریح قرآن، تنها اختصاص به خداوند و پیامبر اسلام دارد. پس از این جریان و با نزول آیه «و ات ذا القربی حقه» پیامبر (ص) بر طبق دستور الهی آن را به فاطمه (س) بخشید. فاطمه (س) و امیر مومنان (ع) در فدک عاملانی داشتند که در آبادانی آن می کوشیدند و پس از برداشت محصول، درآمد آن را برای فاطمه (س) می فرستادند. فاطمه (س) نیز ابتدا حقوق عاملان خویش را می پرداخت و سپس مابقی را در میان فقرا تقسیم می نمود؛ و این در حالی بود که وضع معیشت آن حضرت و امام علی (ع) در ساده‌ترین وضع به سر می برد. گاه آنان قوت روز خویش را هم در راه خدا اتفاق می نمودند و در نتیجه گرسنه سر به بالین می نهادند. اما در عین حال فقرا را بر خویش مقدم می داشتند و در این عمل خویش، تنها خدا را منظور نظر قرار می دادند. (چنانچه در آیات آغازین سوره دهر آمده است). پس از رحلت رسول خدا (ص)، خلیفه اول با منتسب نمودن حدیثی به پیامبر (ص) با این مضمون که ما انبیا از خویش ارثی باقی نمی گذاریم، ادعا نمود آنچه از پیامبر اکرم (ص) باقی مانده، متعلق به تمامی مسلمین است.

فاطمه در مقام دفاع از حق مسلم خویش دو گونه عمل نمود. ابتدا افرادی را به عنوان شاهد معرفی نمود که گواهی دهند پیامبر (ص) در زمان حیات خویش فدک را به او بخشیده است و در نتیجه فدک چیزی نبوده که به صورت ارث به او رسیده باشد. در مرحله بعد حضرت خطبه‌ای را در مسجد پیامبر (ص) ایراد نمود که همان گونه که قبلاً نیز ذکر شد، حاوی مطالب عمیق در توحید و رسالت و امامت است. در

این خطبه که در نهایت فصاحت و بلاغت ایراد گردیده است، بطلان ادعای خلیفه را ثابت نمود. فاطمه به خلیفه خطاب نمود که چگونه خلاف کتاب خدا سخن می‌گویی؟! سپس حضرت به شواهدی از آیات قرآن اشاره نمود که در آنها سلیمان، وارث داود ذکر گردیده و یا زکریا از خداوند تقاضای فرزندی را می‌نماید که وارث او و وارث آل یعقوب باشد از استدلال فاطمه (س) به نیکی اثبات می‌گردد بر فرض که فدک در زمان حیات پیامبر به فاطمه (س) بخشیده نشده باشد، پس از پیامبر به او به ارث می‌رسد و در این صورت باز هم مالک آن فاطمه است و ادعای اینکه پیامبران از خویش ارث باقی نمی‌گذارند، ادعایی است خلاف حقیقت، و نسبت دادن این کلام به پیامبر اکرم (ص) امری است دروغ؛ چرا که محال است آن حضرت بر خلاف کلام الهی سخن بگوید و خداوند نیز بارها در قرآن کریم این امر را تأیید نموده و بر آن تاکید کرده است. اما با تمام این وجود، همچنان غصب فدک ادامه یافت و به مالک حقیقی‌اش بازگردانده نشد.

بیماری فاطمه (سلام الله علیها) و عیادت از او

سرانجام فاطمه بر اثر شدت ضربات و لطماتی که به او بر اثر هجوم به خانه‌اش و وقایع پس از آن وارد گشته بود، بیمار گشت و در بستر بیماری افتاد. گاه به زحمت از بستر برمی‌خاست و کارهای خانه را انجام می‌داد و گاه به سختی و با همراهی اطفال کوچکش، خود را کنار تربت پیامبر (ص) می‌رساند و یا کنار مزار حمزه عموی پیامبر (ص) و دیگر شهدای احد حاضر می‌گشت و غم و اندوه خود را بازگو می‌نمود.

وصیت

در ایام بیماری، فاطمه (س) روزی امام علی (ع) را فراخواند و آن حضرت را وصی خویش قرار داد و به آن حضرت وصیت نمود که پس از وفاتش، فاطمه (س) را شبانه غسل دهد و شبانه کفن نماید و شبانه دفن کند و احدی از کسانی که در حق او ستم روا داشته‌اند، در مراسم تدفین و نماز خواندن بر جنازه او حاضر نباشند.

شهادت

سرانجام روز سوم جمادی الثانی سال یازدهم هجری فرا رسید. فاطمه (س) آب طلب نموده و بوسیله آن بدن مطهر خویش را

شستشو داد و غسل نمود. سپس جامه‌ای نو پوشید و در بستر خوابید و پارچه‌ای سفید به روی خود کشید؛ چیزی نگذشت که دخت پیامبر، بر اثر حوادث ناشی از هجوم به خانه ایشان، دنیا را ترک نموده و به شهادت رسید؛ در حالی که از عمر مبارکش بنا بر مشهور، ۱۸ سال بیشتر نمی‌گذشت و بنا بر مشهور تنها ۹۵ روز پس از رسول خدا در این دنیا زندگی نمود.

وقف
میراث
جاویدان

مقدمه

کلمه‌ی انفاق و مشتقات آن به معنای بخشش، که چندین بار در قرآن کریم ذکر شده است که بیانگر ارزش و اهمیت این مسئله در نزد پروردگار عالم است.

قرآن کریم در یک آیه بخشش را از نشانه‌های انسان‌های باتقوایی که به عالم آخرت ایمان دارند می‌شمارد و در آیه‌ی دیگر تأکید می‌کند که اگر می‌خواهید به برّ و خوبی دست یابید و آن را درک کنید، باید از آنچه خداوند متعال روزیتان کرده انفاق کنید. در جایی دیگر از قرآن کریم نیز، بندگان مورد سرزنش الهی قرار گرفته‌اند که چرا در راه خدا بخشش نمی‌کنند.

در واقع کسانی به انفاق روی می‌آورند که به پروردگار مهربان و جهان آخرت ایمان قلبی پیدا کرده‌اند. از این رو برای کسب رضایت الهی، با بخشش و انفاق، زنجیر تعلقات مادی، که مانع سیر الهی می‌شود را از دست و پای خویش باز کنند تا در آستان رضای او به پرواز در آیند.

این افراد وعده‌های داده شده به انفاق کنندگان را باور دارند و از این رو خواست الهی را بر خواهش‌های نفسانی خویش مقدم می‌دارند. پاداش آنان نیز آنقدر عظیم است که خداوند متعال، خود اجر آنها را برعهده گرفته و تضمین نموده است: «لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ».

از سوی دیگر زرنگ و زیرک بودن یکی از اوصاف مؤمنین است که در روایات به آن اشاره شده است. مؤمنین باید از فرصت‌هایی که برایش پیش می‌آید بهترین و بیشترین استفاده را بنمایند و اکنون که می‌خواهد چیزی را در راه خدا ببخشد باید به آن رنگ و بوی جاودانگی دهد تا همیشه، حتی پس از مرگ نیز، از آن بهره گیرد. و اساساً یکی از اهدافی که اسلام وقف را فراوری مؤمنان قرار داده این است که بعد از مرگ نیز پرونده‌ی اعمال نیکش بسته نشود و از پاداش آن تا روز قیامت بهره‌مند گردد. از این رو مردگان حسرت می‌خورند و آرزو می‌کنند که ای کاش می‌توانستند لحظه‌ای به دنیا بازگردند تا این عمل صالح را انجام دهند.

مفهوم وقف

واژه‌ی وقف را در لغت با عبارات گوناگون تعریف کرده‌اند که همه‌ی آنها دارای قدر جامع و مشترکی هستند. وقف در اصطلاح فقهای امامیه عبارت از حبس نمودن عین ملک و مصرف کردن

منافع آن در راه خداست و در اصطلاح قانون مدنی، حبس عین ملک (شیء، زمین، ساختمان و...) و جاری کردن منفعت آن بر حسب نیت واقف (وقف کننده) تعریف شده است.

وقف در قرآن کریم

در قرآن کریم آیاتی که اشاره مستقیم به وقف داشته باشد وجود ندارد، لیکن عناوین و کلمات و واژه‌هایی که در ساختار معنایی بعضی از آیات همسو با این سنت حسنه باشد و جهت‌دهی آنان سفارش و توصیه به اعمال خیر، نیکی و احسان باشد در زمره آیات وقف قرار می‌گیرد؛ چرا که در تفاسیر مختلف و در باب‌های فقهی، وقف جهت استدلال مبحث وقف به همین آیات اشاره شده است.

موضوعات مطرح شده در قرآن مانند: برّ، خیر، صدقه، احسان، معروف، انفاق به ویژه باقیات الصالحات و عطایای بعد از مرگ همگی از جمله واژگانی است که این مربوطه با وقف انطباق دارد و یکی از مصادیق روشن این عناوین را علماء و مفسران سنت حسنه‌ی وقف بیان نموده‌اند. زیرا وقف از بهترین نیکی‌ها و احسان‌ها و کارهای معروف و تنها صدقه‌ی جاریه‌ای است که پایدار می‌ماند و با مصرف یک بار آن از بین نخواهد رفت بلکه بعد از فوت واقف نیز ثواب و خوبی‌های آن تمام نمی‌شود و مستمر و باقی خواهد ماند.

وقف در سیره‌ی ائمه معصومین (ع)

شیوه‌ی رفتار ائمه معصومین (ع) یکی از منابع مهم در احکام دینی و معارف اسلامی به شمار می‌رود که از آن به «سنت» تعبیر می‌شود. سنت به قول، فعل و تقریر (سکوت مقتضی) گفته می‌شود که از رسول گرامی اسلام یا امامان شیعه صادر شده باشد.

همان گونه که در سخنان ائمه معصومین (ع) درباره‌ی تشویق به وقف روایات متعددی نقل شده، از آنجا که از نظر عملی نیز چهارده معصوم در این کار نیکو، معلم بشریت بوده‌اند، خود نیز بدین کار دست زده‌اند. در اینجا جهت اختصار، فقط به موقوفات حضرت صدیقه‌ی طاهره (س) اشاره می‌شود.

موقوفات حضرت فاطمه (س)

زندگی کوتاه زهرای مرضیه (س) برکات بی شماری را به دنبال داشت، برکات معنویش سراسر تاریخ اسلامی را فرا گرفت، عملکرد

و سیره پیامبر گونه‌اش در امور مادی و معنوی هر دو برکت را به دنبال داشت. او در باب صدقات و موقوفات برترین بانوی جهان بوده و هست، هرچه را مالک بوده براساس سیره پدر بزرگوارش تقدیم به فقراء و مستمندان می‌نمود و علاوه بر کمک‌های مقطعی کمک‌های جاویدان و مستمری - موقوفات - داشته است. علامه مجلسی (ره) می‌گوید:

سید بن طاووس (ره) رو به فرزندش نمود، گفت: پسر، موقوفات و صدقات جدهات فاطمه زهرا (س) همانند العوالی - حیطان سبعة - و... از اموالی بود که رسول خدا (ص) آنها را بدون جنگ و درگیری مالک گردید و کسی در آن شریک نبوده و ملک خالص آن حضرت شد و «فیء» محسوب شد. بعدا پیامبر خدا (ص) آنها را در زمان حیات خویش به دخترش به صورت هبه (بخشش) واگذار کرد. فاطمه (س) هم آنها را در راه خدا وقف نمود - غیر از فدک که توضیحش خواهد آمد - و سپس «موقوف علیهم» - کسانی را که می‌توانند از آن موقوفات استفاده نمایند - مشخص کرد.

سپس سید بن طاووس (ره) اضافه کرد و گفت فرزندم: در ارزش آنها همین قدر بس که بعضی از آن اموال سالانه بین ۲۴۰۰۰ تا ۷۰۰۰۰ درهم درآمد داشته است.

اسامی موقوفات صدیقه طاهره (س)

الف. ام العیال: چشمه‌ای است که به برکت آن روستایی بزرگ در کنارش ساخته شده، این روستا در نزدیکی قلعه‌های «آرة» که بین راه مکه و مدینه است واقع شده، در آن روزگار بیش از ۲۰۰۰۰ نخل خرما داشته است و امروز هم در آنجا میوه‌های مختلف مانند لیمو، انگور، موز به عمل می‌آید، ام العیال در یکصد و هفتاد کیلومتری مدینه منوره و پنجاه و شش کیلومتری شرق «سقیّا» قرار دارد.

عرام بن اصبغ سلمی که شخصی مورد اطمینان است و در سال‌های ۲۷۵ هجری قمری زندگی می‌کرده و در شناسایی منطقه «تهامه» از خبرگی ویژه‌ای برخوردار بود می‌گوید: ام العیال قریة صدقة فاطمة الزهراء بنت رسول الله (ص)؛ روستای ام العیال صدقه و موقوفه فاطمه زهرا (س) دختر رسول خدا (ص) است.

امروز هم فرزندان فاطمه (س) از آن بهره می‌گیرند.

این چشمه و این سرزمین از سوی صدیقه طاهره (س) بر سادات حسینی وقف گردیده است.

سمهودی نیز می نویسد:

ام العیال، چشمه‌ای است که متعلق به فاطمه زهرا (س) بوده سپس آن را وقف نمود. توسط این چشمه بیش از بیست هزار نخل آبیاری می گردیده و جعفر بن طلحه بن عبید الله تیمی دویست هزار دینار جهت احیاء آن و اطراف آن صرف کرده است.

ب. از دیگر موقوفات صدیقه طاهره (س) این گونه نقل شده که:

مخیریق در میان یهود بنی نضیر عالم اندیشمندی بود که ایمان به پیامبر خدا (ص) آورد سپس اموالش را در اختیار آن حضرت قرار داد و این اموال همان باغ‌های دیوار کشیده هفتگانه بوده است. و همچنین از محمد بن کعب نقل کرده که: که این اموال متعلق به مخیریق یهودی بوده، چون جنگ «احد» فرا رسید رو به دیگر یهودیان کرد و گفت: چرا محمد - (ص) - را یاری نمی کنید؟ سوگند به خدا همه شما می دانید که یاری دادن به او وظیفه و تکلیف همه شماها است.» جواب دادند: «امروز شبیه است [روز عبادت و تعطیلی است]» مخیریق گفت: «شما از وظیفه فرار می کنید شبیه یعنی چه؟! سپس خود شمشیر برگرفت و همراه با رسول گرامی با دشمنان آن حضرت جنگید تا سخت مجروح گردید و چون در بستر افتاد چنین وصیت کرد: «اموالی الی محمد یضعها حیث یشاء: دارایی‌های من در اختیار محمد (ص) خواهد بود هر کجا می خواهد و صلاح می داند مصرف کند.»

رسول خدا در سال هفتم هجرت اموال مخیریق را جزء صدقات قرار داد و لکن امام رضا (ع) فرمود: «رسول خدا آن‌ها را وقف بر فاطمه نمود، و سپس فاطمه آنها را بر بنی هاشم و بنی المطلب وقف نموده است.»

باغ‌های هفتگانه موقوفه فاطمه (س)

«حیطان سبعة» همان باغ‌ها و مزارع هفت گانه‌ای است که اطراف آن دیوار کشیده شده بود و بیشتر آنها در منطقه «العوالی» و شرق مدینه منوره واقع شده بود.

۱. العواف: بعضی آن را - الاعواف - دانسته‌اند و لکن ابن شیه می گوید صحیح در نزد من «العواف» است، و آن جایگاه وسیعی است در نزدیکی شهر مدینه که مردم آن اموال خویش - گوسفندان و شتران و... - را در آن جا نگهداری می کردند، این وادی از سرچشمه «مهزور» آبیاری می گردید.

ابوغسان گفته است: الاعواف جزء معروف بالعالیة: اعواف قطعه

زمین شناخته شده‌ای است که در منطقه باب العوالی واقع شده است.
۲. الصافیة: این باغ در قسمت شرقی مدینه واقع شده و به قطعه «زهیره» معروف است این مکان از جمله اموالی بود که از یهود بنی قریظه بدست آمد و چون هیچگونه درگیری وجود نداشت جزء اموال خالص پیامبر خدا (ص) محسوب شد و کسی بر آن سهمی نداشت. پیامبر آن را به دخترش فاطمه (س) واگذار کرد، او هم آن را وقف نمود

۳. الدلال: قطعه زمینی بود که در قسمت شرقی مدینه قبل از صافیة واقع شده، آن را بنی ثعلب یهود مالک بودند، امام باقر (ع) فرمود: دلال متعلق به یک زن یهودی از بنی نضیر بود که سلمان (ره) در نزد او در بردگی بسر می‌برد، آن زن طی قراردادی با سلمان بنا را بر این گذاشتند که سلمان آن سرزمین را احیا کند و درختکاری نماید سپس آن زن سلمان را آزاد نماید، رسول خدا (ص) از این پیمان و قرارداد آگاه شد، به نزد سلمان در محل کاشتن درختها آمد و به او کمک کرد و در مدت کوتاهی درختان بزرگ شدند و به ثمر نشستند، پس از مدتی که اسلام قدرت پیدا کرد، آن سرزمین به عنوان غنیمت - فیه - به تصرف پیامبر خدا درآمد، پیامبر (ص) آن را به دخترش فاطمه (س) داد. فاطمه (س) هم آن را وقف در راه خدا نمود. و بعضی محدثان از «الدلال» تعبیر به «الکلاب» کرده‌اند و گفته‌اند: «آن نهر آب مورد توجهی بود که در مدینه جاری می‌گشت و مردم از آن بهره می‌بردند.»

۴. برقه: قبلا از اموال یهود بنی قریظه محسوب می‌گردید لکن بعد از اینکه به دست رسول خدا (ص) افتاد سلمان (ره) در آن درختکاری کرد و بعد هم به فاطمه واگذار شد که آن حضرت آن را وقف بر بنی هاشم و بنی المطلب نمود.

۵. المیشب: جایش معین نیست و لکن جزء غنائمی است که بدون جدال به دست پیامبر (ص) افتاد، او هم آن را به دختر خویش داد و بعد هم فاطمه (س) وقفش نمود، بکری می‌گویند: از موقوفات عام رسول خدا (ص) است.

۶. حسنی: موضعی است که در نزدیکی «الدلال» واقع شده و مشهور به «الحسینیات» می‌باشد، این محل از وادی «مهزور» آبیاری می‌گردد.

۷. مشربه ام ابراهیم: در آخر باب العوالی مدینه منوره، بستانی است که چون ام ابراهیم - ماریه قبطیه - همسر رسول خدا (ص)

را در آنجا درد زایمان عارض شد، دستش را به چوبی گرفته بود که بعد از لحظاتی فرزندش «ابراهیم» به دنیا آمد بدین جهت مشربه ام ابراهیم نام گرفت این بستان در نزدیکی مدارس یهودی آن روز قرار داشت و درختان آن بستانی از وادی «مهرزور» آبیاری می‌گردید.

مشربه به اطلاق مسکونی اطلاق می‌شود، پیامبر خدا (ص) ماریه قبطیه را آنجا سکونت داده بود.

وقف در سیره‌ی دیگر امامان شیعه

دیگر امامان شیعه نیز اموال و باغهایی را در راه خدا و برای برطرف ساختن نیاز بینوایان و نیازمندان و خویشاوندان خود وقف کردند که برخی از آنها را یادآور می‌شویم:

همه می‌توانند

به شکر این که داری دست بر میخانه، ای ساقی

مرا از دست غم بستان به یک پیمانه، ای ساقی

با شنیدن کلماتی مثل وقف، واقف، و موقوفه و... تصویری از افراد ثروتمند و نیکوکار در ذهنمان ترسیم می‌شود که بخشی از اموال خود را برای خدمت به دیگران می‌بخشند.

اما ممکن است هیچ‌گاه تصور نکنیم که ما همه می‌توانیم یکی از همین واقفین باشیم. از خود می‌پرسید چگونه؟!

تصور غلط که در ذهن اکثر ما نقش بسته، این است که فکر می‌کنیم وقف نمودن تنها از دست ثروتمندان بر می‌آید و ما که دارایی آنچنانی نداریم، نمی‌توانیم واقف باشیم. اما بهتر است بدانیم که موقوفات حتماً نباید ساختمان و زمین (و چیزهایی از این قبیل که از دست ما خارج است) باشد؛ بلکه می‌توان با درآمد و حقوق اندک نیز به ائمه‌ی معصومین اقتدا کرد و به خیل واقفان پیوست.

البته برخی کارها از دست مردم عادی بر نمی‌آید. گاهی نیز افراد خاصی که بتوانند آن کارها را انجام دهند یا وجود ندارند و یا در دسترس نیستند.

فرض کنید در خیابان یا کوچه‌ای، سنگ بزرگی در مسیر رفت و آمد مردم قرار گرفته که مشکلاتی را برای همگان بوجود آورده است. سنگ وزین است و هیچکس را توان برداشتن آن نیست. آیا باید دست روی دست گذاشت و از برداشتن صرف‌نظر کرد.

چاره‌ی کار چیست؟ آیا اگر فرد قدرتمندی پیدا نشد، تکلیف ساقط

می‌شود؟

همگان این مسئله را تأیید می‌کنند که باید همه‌ی افراد برای برداشتن مانع، جمع شوند و هر کدام زحمت قسمتی از آن را متحمل شوند تا آن مانع و مشکل مرتفع گردد.

به عنوان مثال، در یک شهر یا منطقه، مکانی برای اسکان ایتام و کودکان بی‌سرپرست وجود ندارد، مردم آن منطقه هم به تنهایی قدرت خرید و یا تهیه مکانی را برای ایشان ندارند اما خیلی علاقه دارند که برای آنها کاری انجام دهند، در امثال این مورد اگر افراد نیکوکاری که علاقه‌ای به واقف شدن دارند جمع شوند و هر کدام به فراخور توان مالیشان هزینه‌ای را متحمل شوند در این صورت هم مشکلی از مشکلات آن منطقه رفع شده و هم افراد خیر غیرمتمول نیز توفیق واقف شدن را پیدا نموده‌اند.

آری ما هم می‌توانیم با گفتن یک یا علی (ع) به مولایمان اقتدا کنیم و از واقفان شویم حتی اگر با مشارکت دوستان و آشنایان باشد.

خُطْبَةُ حَضْرَتِ زَهْرَا[ؑ] سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا



نوشتاری که پیش رو دارید، متن کامل خطبه می‌عزّا، دست‌نکست حضرت
 صدیقہ می‌طاہرہ، فاطمہ زہراؑ در مسجد پیامبر گرامی اسلام ﷺ است
 این خطبه که در کتابهای متعددی از مصادر پیران اہل بیتؑ و عامّہ
 نقل شدہ، شامل معارف حیانی، احکام، اخلاق و نیز نظام
 مکتوبین و تشریع است. نشان از دانش آسمانی و لدنی آن حضرت و علو
 مقام آن گرامی دارد. متن این کتاب، از روایت علامہ می‌زرکوا
 احمد بن علی طبرسی رحمۃ اللہ علیہ و از کتاب الاجتاج انتخاب شدہ
 و تقدیم جویندگان حقیقت میگرد؛

رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامَةُ

عبدالله بن حسن - نواده‌ی امام مجتبی علیه السلام - از پدرانش علیهم السلام چنین نقل می‌کند:

أَنَّهُ ع لَمَّا أَجْمَعَ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ عَلَى مَنَعِ فَاطِمَةَ عليها السلام

ع هنگامی که ابوبکر و عمر هم‌دست شدند تا از دسترسی حضرت فاطمه علیها السلام به فدک

فَدَكًا وَبَلَّغَهَا ذَلِكَ ع لَأَتَّ خِمَارَهَا عَلَى رَأْسِهَا

جلوگیری نمایند، این خبر به آن علیا جناب رسید ع ایشان مقنعه بست و چادر را بر

وَاشْتَمَلَتْ بِجِلْبَابِهَا وَأَقْبَلَتْ فِي لَمَةٍ مِنْ حَفَدِهَا

خویش فرو پیچید و همراه با گروهی از بستگان و زنان قومش - بنی‌هاشم به

وَفِisَاءِ قَوْمِهَا ع تَطَأُ ذُيُولَهَا، مَا تَحْرِمُ مَشْكِيَتَهَا

سوی مسجد - آمد. ع در هنگام راه رفتن - چندان پوشش ایشان بلند بود که - پا بر پائین دامن

مَشْكِيَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ع حَتَّى دَخَلَتْ عَلَى

لباس خویش می‌گذاشت و راه رفتن آن جناب مانند راه رفتن پدرش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود ع تا این

أَبِي بَكْرٍ وَهُوَ فِي حَشْدٍ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ

که بر ابوبکر که در میان جمع زیادی از مهاجرین و انصار و دیگران حضور داشت،

الْأَنْصَارِ وَغَيْرِهِمْ. فَنَيْطَتْ دُونَهَا مِدْلَاءً ع

وارد شد. به خاطر آن حضرت پرده‌ای آویختند. ع

فَجَلَسَتْ ثُمَّ أَتَتْ أَنَّهُ أَجْهَشَ الْقَوْمَ لَهَا بِالْبُكَاءِ ع

و ایشان نشست؛ آنگاه ناله‌ای سر داد که همه‌ی مردم به خاطر او به گریه افتادند. ع

فَارْتَجَّ الْمَجْلِسُ ثُمَّ أَمْهَلَتْ هُنَيْئَةً. حَتَّى إِذَا سَكَنَ

و مجلس به خروش درآمد و منقلب شد. سپس حضرت لحظاتی درنگ نمود تا صدای

نَشِيجِ الْقَوْمِ وَهَذَا أَتَ فَوَزُّهُمْ ع افْتَتَحَتِ الْكَلَامَ

گریه‌ی آن جمعیت فرو نشست و از خروش افتادند. ع آنگاه سخن را با حمد و

بِحَمْدِ اللَّهِ وَالتَّسْنَاءِ عَلَيْهِ وَالصَّلَاةِ عَلَى رَسُولِهِ. فَعَادَ

ثنای خداوند متعال و صلوات بر رسول خدا ﷺ آغاز کرد. - با یادآوری

الْقَوْمُ فِي بُكَائِهِمْ. فَلَمَّا أَمْسَكُوا عَادَتْ

پیامبر خدا ﷺ - مردم دوباره به گریه افتادند و چون ساکت شدند

فِي كَلَامِهَا، فَقَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ ﴿٨﴾

حضرت فاطمه ؑ سخن را از سر گرفت و فرمود: ﴿٨﴾

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَنْعَمَ وَلَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَلْهَمَ وَ

سپاس و ستایش خداوند را به خاطر نعمت‌هایی که بخشید و او را شکر به خاطر آنچه الهام کرد و

التَّسْنَاءُ بِمَا قَدَّمَ، مِنْ عُمُومِ نِعَمٍ ابْتَدَأَهَا وَ سُبُغِ الْآءِ

مدح و ثناء شایسته اوست به خاطر نعمت‌های فراگیری که از پیش فرستاد، نیکی‌هایی تمام که بی سابقه

أَسَدَاهَا وَ تَمَامِ مَنِ أَوْلَاهَا ﴿٩﴾ جَمَعَ عَنِ الْإِحْصَاءِ عَدْدَهَا

ارزانی نمود و احسان‌های کاملی که روا داشت ﴿٩﴾ و آن‌ها بیش از آن است که شمارش

وَنَائِي عَنِ الْجَزَاءِ أَمْدُهَا وَ تَفَاوَتْ عَنِ الْإِدْرَاكِ أَبْدُهَا.

شود و بالاتر از آن است که جبران گردد و پابندگی‌اش فراتر از آن است که به اندیشه آید.

وَنَدَبَهُمْ لِاسْتِزَادَتِهَا بِالشُّكْرِ لِاتِّصَالِهَا ﴿١٠﴾ وَاسْتَحْمَدَ

آفریدگان را به ستایش فرا خواند تا نعمت را بر آنان بیشتر کند و پایدار سازد ﴿١٠﴾ و با ثنای نعمت فراوان

إِلَى الْخَلَائِقِ بِإِجْزَالِهَا وَ شَيْءٍ بِالنَّدْبِ إِلَى أَمْثَالِهَا ﴿١١﴾ وَ أَشْهَدُ

شکر آنان را خواستار شد و با دعوت دوباره‌ی بندگان به شکر، خواسته است نعمت‌ها را دو چندان نماید ﴿١١﴾

أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ. كَلِمَةً جَعَلَ الْإِخْلَاصَ

و گواهی می‌دهم که خدایی جز الله نیست، او یکتاست و شریکی ندارد. ترجمان این سخن و نتیجه‌ی

تَأْوِيلِهَا وَ ضَمَّنَ الْقُلُوبَ مَوْصُولَهَا وَ أَنْارَ فِي التَّفَكُّرِ مَعْقُولَهَا ﴿١٢﴾

آن اخلاص است. خداوند این کلمه را با دل‌ها پیوند داده و اندیشه‌ها را به مفهوم آن نورانی ساخته است ﴿١٢﴾

الْمُتَمَنِّعُ مِنَ الْأَبْصَارِ رُؤْيَتْهُ وَمِنَ الْأَلْسِنِ صَفَتْهُ وَ

دیدگان ناتوان از دیدارش و زبان‌ها عاجز از توصیف او هستند و خیال‌ها چگونگی‌اش را

مِنَ الْأَوْهَامِ كَيْفِيَّتُهُ. ابْتَدَعَ الْأَشْيَاءَ لَا مِنْ شَيْءٍ

درک نتوانند کرد. همه چیز را آفرید ولی نه از چیزی که پیش از آن وجود داشته باشد و

كَانَ قَبْلَهَا وَأَنْشَأَهَا بِلَا احْتِدَاءٍ أَمْثَلَةٌ أَمْثَلَهَا ﴿١٣﴾

آنها را ایجاد کرد بی آن که نمونه‌ای را الگو قرار داده باشد. ﴿١٣﴾

كُونَهَا بِقُدْرَتِهِ وَذَرَأَهَا بِمَشِيئِهِ، مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ مِنْهُ

آنها را با قدرت خویش پدید آورد و با خواست خود آفرید بدون این که نیازی به آفرینش

إِلَى تَكْوِينِهَا وَلَا فَائِدَةٍ لَهُ فِي تَصَوُّرِهَا إِلَّا تَنْبِيْئًا

آنها داشته باشد و سودی از صورت‌بخشی آنها حاصلش گردد. بلکه -آنها را آفرید- تا

لِحِكْمَتِهِ وَتَنْبِيْهَا عَلَى طَاعَتِهِ وَإِظْهَارًا لِقُدْرَتِهِ

حکمتش را اثبات کند و بر طاعت خویش توجه دهد و قدرتش را نمایان سازد و موجبات بندگی

وَتَعْبُدًا لِّلْبَرِّيَّتِهِ وَإِعْرَازًا لِّلِدُعْوَتِهِ ﴿١٤﴾ ثُمَّ جَعَلَ الثَّوَابَ

خلقش را فراهم آورد و دعوتش را عزت و ارجمندی بخشید. ﴿١٤﴾ سپس پاداش

عَلَى طَاعَتِهِ وَوَضَعَ الْعِقَابَ عَلَى مَعْصِيَّتِهِ ﴿١٥﴾ زِيَادَةً

را بر طاعت خویش و مجازات را بر معصیت خویش قرار داد ﴿١٥﴾ تا بندگان

لِعِبَادِهِ مِنْ نِّعَمَتِهِ وَحَيَاةً لَهُمْ إِلَى جَنَّتِهِ. وَأَشْهَدُ

را از خشمش دور سازد و آنان را به سوی بهشت کشاند. و گواهی می‌دهم که

أَنَّ أَبِي مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ. اخْتَارَهُ قَبْلَ أَنْ أُرْسَلَهُ

پدرم محمد ﷺ بنده و فرستاده‌ی اوست. او را پیش از آن که مبعوث نماید برگزید

وَسَمَاهُ قَبْلَ أَنْ اجْتَبَاهُ وَاصْطَفَاهُ قَبْلَ أَنْ ابْتَعَثَهُ

و پیش از آن که برگزید او را نام پرده و نامگذاری کرد و پیش از آن که او را به رسالت فرستد انتخاب فرمود.

إِذِ الْخَلْقُ بِالْغَيْبِ مَكْنُونَةٌ وَبَسْتِ الْأَهَابِلِ مَصُونَةٌ

در آن هنگام خلایق در پرده‌ی غیب پوشیده و در پوششی ترسناک محفوظ بودند و به نهایت نیستی و عدم مقرون

و بنهایه العدم مَقْرُونَةٌ. عِلْمًا مِنْ اللَّهِ تَعَالَى بِتَأْتِلِ الْأُمُورِ

بودند. این بدان جهت است که خداوند به سرانجام امور آگاه بوده و حوادث روزگاران را می‌داند و به

وَإِحَاطَةً بِحَادِثِ الدُّهُورِ وَمَعْرِفَةً بِمَوَاقِعِ الْأُمُورِ ﴿١٦﴾ ابْنَعَثَهُ اللَّهُ

جایگاه آنچه شدنی است شناسا است ﴿١٦﴾ خداوند او را به رسالت فرستاد برای این که فرمان خویش

إِنَّمَا لِأَمْرِهِ وَعَزِيمَةٌ عَلَى إِمْضَاءِ حُكْمِهِ وَإِنْفَادًا

را تمام کند و اراده فرمود حکمش را به اجرا گذارد و مقدرات حتمی‌اش را جاری سازد.

لِمَقَادِيرِ حُكْمِهِ. فَرَأَى الْأُمَمَ فِرْقَانِي أَدْيَانَهَا عُكْفًا

پس - رسول خدا ﷺ - مردم را دید که در عقاید و دینشان پراکنده و پایبند آتش‌های

عَلَى نِيرَانِهَا عَابِدَةٌ لِأَوْثَانِهَا مُنْكَرَةً لِلَّهِ مَعَ عِرْفَانِهَا ﴿١٧﴾

خویش‌اند و بت‌های خود را می‌پرستند و با این که خدا را می‌شناسند انکار می‌ورزند ﴿١٧﴾

فَأَنَارَ اللَّهُ بِأَبِي مُحَمَّدٍ صَلَّاهُ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ظُلُمَهَا وَكَشَفَتْ

پس خداوند توسط پدرم محمد ﷺ، تاریکی‌های آنان را روشن ساخت و از دل‌هایشان

عَنِ الْقُلُوبِ بُهْمَهَا وَجَلَّى عَنِ الْأَبْصَارِ غُمَمَهَا ﴿١٨﴾ وَ

پچیدگی‌ها و نادانسته‌ها را برطرف نمود و کدورت و غبار را از بینایی چشم‌ها زدود ﴿١٨﴾

قَامَ فِي النَّاسِ بِالْهُدَايَةِ فَأَنْقَذَهُمْ مِنَ الْغَوَايَةِ وَبَصَرَهُمْ

و برای هدایت مردم در میانشان به پا خاست و آنان را از گمراهی نجات

مِنَ الْعَمَايَةِ وَهَدَاهُمْ إِلَى الدِّينِ الْقَوِيمِ وَدَعَاهُمْ

داد و از کوردلی بصیرت بخشید و به دین استوار رهنمون گردید و به

إِلَى الطَّرِيقِ الْمُسْتَقِيمِ ﴿١٩﴾ ثُمَّ قَبَضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ قَبْضَ رَافَةٍ

راه مستقیم دعوت نمود ﴿١٩﴾ سپس خداوند با مهربانی و با اختیار - پیامبر ﷺ - جان او را گرفت

وَإِخْتِيَارٍ وَرَغْبَةٍ وَإِثَارٍ. فَحَمْدُ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ تَعَبٍ

و با اشتیاق و انتخاب - خود آن بزرگوار - او را به سوی خویش برد. اینک محمد ﷺ

هَذِهِ الدَّارِ فِي رَاحَةٍ قَدْ حُفَّ بِالْمَلَائِكَةِ الْأَبْرَارِ

از رنج و زحمت این سرای در آسایش بسر می برد. فرشتگان نیکوکار و خشنودی

و رِضْوَانِ الرَّبِّ الْعَفَّارِ وَمُجَاوَرَةِ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ.

پروردگار آمرزنده آن حضرت را در بر گرفته و هم نشین پادشاه فرمانروا است.

صَلَّى اللَّهُ عَلَى أَبِي، نَبِيِّهِ وَأَمِينِهِ وَخَيْرَتِهِ مِنَ الْخَلْقِ

درود خداوند بر پدرم، پیامبر خدا و امین وحی و برگزیده ی او باد؛

وَصَفِيٍّ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ ﴿٢٥﴾

همو که بهترین آفریدگان خدا و پسندیده ی اوست. سلام، رحمت و برکات خداوند بر او باد. ﴿٢٥﴾

ثُمَّ انْفَضَّتْ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى أَهْلِ الْمَجْلِسِ وَقَالَتْ: أَنْتُمْ

سپس آن بانوی بزرگوار ﷺ حاضران را خطاب قرار داده فرمود: شما

عِبَادَ اللَّهِ، نُصَبُ أَمْرِهِ وَنَهْيُهُ وَحَمَلَةُ دِينِهِ وَ

ای بندگان خدا، مخاطب امر و نهی خداوند و حاملان دین و وحی اوید. شما

وَحْيِهِ وَأَمْنَاءُ اللَّهِ عَلَى أَنْفُسِكُمْ وَبُلْعَاؤُهُ إِلَى الْأُمَمِ ﴿٢٦﴾

امینان خداوند بر خویش و رساننده ی - دین - او به سوی دیگر امت ها هستید. ﴿٢٦﴾

زَعِيمُ حَقِّ لَهُ فِيكُمْ وَعَهْدُ قَدَمِهِ إِلَيْكُمْ وَ

پیشوای حقی از سوی خدا در میان شماست و نیز پیمانی که پیشتر از شما گرفته است و نیز بازمانده ی

بَقِيَّةُ اسْتَخْلَفَهَا عَلَيْكُمْ؛ كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ

گذاشته که او را بر شما جانشین قرار داده است. او - امام امیرالمؤمنین علی ﷺ - کتاب گوای خدا

وَالْقُرْآنُ الصَّادِقُ وَالنُّورُ السَّاطِعُ وَالضِّيَاءُ اللَّامِعُ.

و قرآن صادق و نور درخشان و روشنایی پر فروغ است. دیدگاه هایش روشن و اسرارش

بَيِّنَةُ بَصَائِرُهُ، مُنْكَشِفَةُ سَرَائِرُهُ، مُنْجِلِيَّةُ ظَوَاهِرُهُ،

آشکار و ظواهر و سیمایش شفاف می‌باشد. دیگران بر پیروانش رشک می‌برند.

مُعْتَبَطَةٌ بِهِ أَشْيَاعُهُ، قَائِدٌ إِلَى الرِّضْوَانِ اتِّبَاعُهُ،

او پیروان خویش را به بهشت رهبری می‌کند و گوش سپردن به او

مُؤَدِّي إِلَى النَّجَاةِ اسْتِمَاعُهُ ﴿٢٢﴾ بِهِ تُنَالُ حُجُجُ اللَّهِ الْمُنَوَّرَةِ

ماهی نجات است. ﴿٢٢﴾ به وجود او می‌توان به حجت‌های نورانی

وَعَزَائِمُهُ الْمُفَسَّرَةُ وَحَاوِرُهُ الْمُحَذَّرَةُ وَبَيِّنَاتُهُ الْجَالِيَّةُ

خداوند و واجبات واضح شده و محرمات نهی شده و دلایل روشن

وَبَرَاهِينُهُ الْكَافِيَةُ وَفَضَائِلُهُ الْمُنْدُوبَةُ وَ

و براهین کافی و فضیلت‌های مستحب و رخصت‌های مباح و

رُخَصُهُ الْمُوهُوبَةُ وَشَرَائِعُهُ الْمَكْتُوبَةُ ﴿٢٣﴾ فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ

آیین‌های واجب پروردگار دست یافت. ﴿٢٣﴾ خداوند ایمان

تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشِّرْكِ وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهاً لَكُمْ

را برای پاک‌سازی شما از شرک و نماز را برای دوری‌تان از تکبر و خودپرستی و

عَنِ الْكِبَرِ وَالزَّكَاةَ تَرْكِياً لِلنَّفْسِ ﴿٢٤﴾ وَنَمَاءً

زکات را موجب پاکیزگی جان‌تان ساخت ﴿٢٤﴾ و فزونی

فِي الرِّزْقِ وَالصِّيَامَ تَنْثِيئاً لِلْإِخْلَاصِ وَالْحَجَّ تَشْهيداً

روزی‌تان را در آن قرار داد. روزه را برای پایداری در اخلاص و حج را

لِلدِّينِ وَالْعَدْلَ تَنْسِيْقاً لِلْقُلُوبِ ﴿٢٥﴾ وَطَاعَتَنَا نِظَاماً

برای استواری در دین و عدل را برای یکپارچگی دل‌ها ﴿٢٥﴾ و پیروی ما - اهل بیت - را برای

لِلْمِلَّةِ وَإِمَامَتَنَا أَمَاناً لِلْفُرْقَةِ ﴿٢٦﴾ وَالْجِهَادَ عِزّاً لِلْإِسْلَامِ

همبستگی در امت و امامت و پیشوایی ما - اهل بیت - را به خاطر ایمنی از تفرقه واجب ساخت ﴿٢٦﴾ جهاد را

وَالصَّبْرَ مَعُونَةً عَلَى اسْتِجَابِ الْأَجْرِ وَالْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ

موجب عزت اسلام و ذلت و خواری کفار و منافقان و صبر را مایه‌ی استحقاق پاداش و

مَصْلَحَةً لِلْعَامَّةِ وَبِرَّالْوَالِدَيْنِ وَقَايَةً مِنَ السُّخْطِ وَ

امر به معروف را به خاطر مصلحت عموم و نیکی به پدر و مادر را به جهت حفظ از

صِلَةَ الْأَرْحَامِ مَنْسَأَةً فِي الْعُمُرِ وَمَنْمَاءً لِلْعَدَدِ ﴿٢٧﴾

خشم خود بنیان نهاد. صله‌ی ارحام را مایه‌ی طول عمر و فزونی نفقات ؛ ﴿٢٧﴾

وَالْقِصَاصَ حَقًّا لِلدِّمَاءِ وَالْوَفَاءَ بِالنَّذْرِ تَعْرِيفًا

و قصاص را مایه‌ی حفظ خون‌ها و وفای به نذر را موجب آمرزش و امر به پیمانه‌ی

لِلْمَغْفِرَةِ وَتَوْفِيَةَ الْمَكَايِلِ وَالْمَوَازِينَ تَغْيِيرًا

پُر و وزن کامل را - در معاملات - به خاطر پیشگیری از کم‌فروشی و نهی از

لِلْبَخْسِ وَاللَّهْمَى عَنْ شَرْبِ الْخَمْرِ تَنْزِيهَا عَنِ الرَّجْسِ

شراب‌خواری را برای کناره‌گرفتن از پلیدی حکم نمود. و خودداری از تهمت و

وَأَجْنَابَ الْفُذَفِ جَبَابًا عَنِ اللَّعْنَةِ وَتَرْكَ السَّرِقَةِ

نسبت‌های ناروا را برای ایمن ماندن از لعنت شدن و ترک دزدی را موجب عفت

إِجَابًا لِلْعَقَةِ. وَحَرَّمَ اللَّهُ الشِّرْكَ إِخْلَاصًا لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ ﴿٢٨﴾

قرار داد. خداوند شرک را حرام کرد تا عقاید نسبت به پروردگاری‌اش خالص گردد. ﴿٢٨﴾

فَ «اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُوا إِلَّا وَأَنْتُمْ

پس (ای مردم) از خدا آن گونه که شایسته است بترسید و تا پای مرگ

مُسْلِمُونَ» وَأَطِيعُوا اللَّهَ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَنَهَاكُمْ

مسلمان بمانید. خدا را در آنچه به شما فرمان داده و نهی نموده است

عَنْهُ، فَإِنَّهُ «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» ﴿٢٩﴾

اطاعت کنید؛ چه آن که از میان بندگان خدا فقط دانشمندان از او بیمناکند. ﴿٢٩﴾

ثُمَّ قَالَتْ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، أَيُّهَا النَّاسُ ! اْعْلَمُوا أَنِّي فَاطِمَةُ وَأَبِي

سپس فاطمه علیه السلام فرمود : ای مردم ! بدانید که من فاطمه‌ام و پدرم

مُحَمَّدٌ ﷺ . أَقُولُ عَوْدًا وَبَدْوًا وَلَا أَقُولُ مَا أَقُولُ غَلَطًا

محمد علیه السلام است. این را تکرار می‌کنم و نخست هم گفته‌ام و آنچه می‌گویم نادرست

وَلَا أَفْعَلُ مَا أَفْعَلُ شَطَطًا . ﴿ لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ

نیست و آنچه می‌کنم به ناحق انجام نمی‌دهم. » به تحقیق رسولی به نزدتان آمد که از خود

مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ

شماست. رنج و سختی‌های شما بر او بسیار ناگوار می‌آید و نسبت به مؤمنان

بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ حَرِيمٌ ﴿٣٠﴾ فَإِنْ تَعَازَوْا وَتَعَرَّفَوْا

رنوف و مهربان است. ﴿ اگر نَسَبِ او را جويا شده و او را

تَجِدُوهُ أَبَى دُونَ نِسَائِكُمْ وَأَخَا بَنِي عَمِّي دُونَ

بشناسید می‌بینید که او پدر من است نه پدر زنان شما و برادر پسرعموی من است

رَجَالِكُمْ . وَلَنِعَمَ الْمُعْزِي إِلَى إِلَهِهِ ﷺ فَبَلَغَ الرِّسَالَةَ

نه برادر مردان شما و چه خوب انتسابی است انتساب به او ! او رسالت را در حالی

صَادِعًا بِالْبِدَارَةِ ، مَاثِلًا عَنْ مَدْرَجَةِ الْمُشْرِكِينَ ، ﴿٣١﴾

ابلاغ فرمود که مردم را آشکارا بیم می‌داد و از آیین مشرکان روی گردان بود. ﴿

صَارِبًا بَتَجْهَهُمْ ، آخِذًا بِأَكْظَامِهِمْ ، دَاعِيًا إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ

بر کمرهاشان ضربه می‌زد و حلقومشان را می‌فشرد و با حکمت و اندرز نیکو مردم

بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ . يَكْسِرُ الْأَصْنَامَ وَ

را به راه پروردگارش دعوت می‌نمود. بت‌ها را شکست و بر سر بزرگان _ کفر _

يَنْكُتُ الْهَامَ حَتَّى انْهَزَمَ الْجَمْعُ وَوَلَّوْا الدُّبُرَ ﴿٣٢﴾ حَتَّى

کوبید تا آن که جمع آنان شکست خورده گریختند. ﴿ تا این که

تَفَرَّى اللَّيْلُ عَنْ صُبْحِهِ وَأَسْفَرُ الْحَقُّ عَنْ مَحْضِهِ وَ

از میان شب، چهره‌ی صبح آشکار و حق پیدا و نمایان شد و پیشوای

نَطَقَ زَعِيمُ الدِّينِ وَخَرَسَتْ شَقَاشِقُ الشَّيَاطِينِ وَطَاحَ

دین لب به سخن گشود و هیاهو و یاوه‌گویی شیاطین خاموش گشت و

وَشَيْطَانُ الْيَقَاقِ وَانْحَلَّتْ عُقْدَةُ الْكُفْرِ وَالشَّقَاقِ وَ

فرومایگان منافق میدان تهی کرده و پیمان‌های کفر و تفرقه از هم گسست.

فُهُتُمْ بِكَلِمَةِ الْإِخْلَاصِ فِي تَفَرٍّ مِنَ الْبَيْضِ الْخِطَاصِ

آنگاه شما همراه با گروهی روزه‌دار و سپیدرو زبان به اخلاص و توحید گشودید.

«وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ» مَذْقَةُ الشَّارِبِ

این در حالی بود که شما (پیش از آن) بر لبه‌ی پرتگاه جهنم بودید. جرعه‌ای برای

وَنُهْزَةِ الظَّامِعِ وَقَبْسَةَ الْعَجَلَانِ وَمَوْطِئَ الْأَفْطَامِ

نوشندگان و طعمه‌ای برای خورندگان و پاره آتشی برای شتابزدگان و پایمال شده‌ی قدم‌ها

تَشْرَبُونَ الطَّرْقَ وَتَقْتَاتُونَ الْقِدَّ؛ أَذِلَّةٌ خَاسِئِينَ

به شمار می‌آمدید. آب‌های گندیده و آلوده را می‌نوشیدید و خوراک‌تان پوست شتران بود.

«تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ» مِنْ حَوْلِكُمْ

مردمانی خوار و ذلیل و مطرود بودید و می‌ترسیدید که دیگر مردم شما را به بردگی اسیر کنند.

فَأَنفَذَكُمْ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِمُحَمَّدٍ ﷺ

اما خداوند شما را توسط پدرم محمد ﷺ پس از آن وضعیتی رفعت‌بار و پس از آن

بَعْدَ اللَّتْيَا وَالَّتِي وَبَعْدَ أَنْ مُنِيَ بِهِمُ الرِّجَالُ وَ

همه خواری نجات بخشید بعد از آن که آن حضرت مبتلا به آزار شجاعان

دُوبَانَ الْعَرَبِ وَمَرَدَّةَ أَهْلِ الْكِتَابِ ۞ كُلَّهَا

نادان و حمله‌ی گرگ‌های عرب و سرکشان اهل کتاب شد. ۞ هر بار که آتش جنگ

أَوْقِدُوا نَارَ الْحَرْبِ أَظْفَاهَا اللَّهُ ۚ أَوْنَجَّمَ قُرْآنَ الشَّيْطَانِ

را برافروختند خداوند آن را خاموش ساخت. هر زمان که شاخ شیطان پدیدار می‌گشت یا

أَوْفَعَرْتُ فَأَغْرَهُ ۖ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَذَفَ أَخَاهُ فِي

دهان - یاوه‌گویی - از سوی مشرکین باز می‌شد، برادرش - علی علیه السلام - را در کام‌شان می‌افکند و

لَهُوَانْهَا فَلَا يَنْكِفِي حَتَّى يَطَّأَ جَنَاحَهَا بِأُخْصِهِ وَ

او باز نمی‌گشت مگر این که آن‌ها را لگدکوب کرده و زیر پا می‌گرفت و شراره‌ی

يُخِذَ لَهَا بِسَيْفِهِ ۚ مَكَدُودًا فِي ذَاتِ اللَّهِ،

آتش‌شان را با شمشیر خود خاموش می‌ساخت ۳۷ او - علی علیه السلام - به خاطر خداوند بسیار رنج

مُجْتَهِدًا فِي أَمْرِ اللَّهِ، قَرِيبًا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ، سَيِّدًا

می‌دید و برای فرمان او بسیار می‌کوشید. نزدیک به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سرور اولیاء خدا بود.

فِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ، مُشِيرًا، نَاصِحًا، مُجِدِّدًا، كَادِحًا،

پرتلاش و خیرخواه بود، سخت می‌کوشید و زحمت بسیار می‌کشید و در راه خدا

لَا نَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَّا تُؤْمِرُ. وَأَنْتُمْ فِي رِفَهِیَةِ

سرزنش ملامت‌گرا ن در او اثر نداشت. در حالی که شما با آسایش زندگی می‌کردید،

مِنَ الْعَبَسِ وَادْعُونَ فَاصْكِهُونَ آمِنُونَ ۚ تَرْبِصُونَ

ساکت و آرام، خوش‌گذران و در امان بودید. ۳۸ منتظر بودید تا روزگار علیه

بِنَا الدَّوَائِرَ وَتَوَكَّفُونَ الْأَخْبَارَ وَتَنْكُصُونَ عِنْدَ

ما بگردد. گوش به زنگ خبرها بودید - تا خبر رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله را بشنوید - . همواره در

النِّزَالِ وَتَفِرُونَ مِنَ الْقِتَالِ ۚ فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ

بحران‌ها می‌نشستید و در جنگ می‌گریختید. ۳۹ هنگامی که خداوند برای پیامبرش

دَارَ أَنْبِيَائِهِ وَ مَأْوَى أَصْفِيَائِهِ، ظَهَرَ فَيَكُمُ حَسَكَةٌ

سرای انبیا و جایگاه برگزیدگانش را اختیار کرد، در میان شما خارهای نفاق پدیدار

النِّفَاقِ وَ سَمُلَ جِلْبَابِ الدِّينِ وَ نَطَقَ كَاطِمُ

گشت و لباس دین _ و معنویت در نزدتان _ کهنه شد، گمراهان خاموش، سخن گفتند و

الْغَاوِينَ وَ نَبَعَ خَامِلُ الْأَقْلِينَ وَ هَدَرَ فَنِيقُ

فرومایگان ناچیز و گمنام سر برآورده و سرکردگان باطل به

الْمُبْطِلِينَ ﴿٤٠﴾ فَخَطَرَنِي عَرَصَاتِكُمْ وَأَطَّلَعَ الشَّيْطَانُ

خروش آمدند ﴿٤٠﴾ و در حضور و جمع شما دَم جنبانیدند . و شیطان سر از

رَأْسِهِ مِنْ مَعْرِزِهِ ، هَاتِفَايَكُمُ ، فَأَلْفَاكُمُ لِدَعْوَتِهِ

مخفیگاه بیرون آورد و شما را صدا زد و دریافت دعوتش را

مُسْتَجِيبِينَ وَ لِلْغَرَّةِ فِيهِ مُلَاحِظِينَ ﴿٤١﴾ ثُمَّ اسْتَنْهَضَكُمْ

اجابت می کنید و فریبش را می پذیرید. ﴿٤١﴾ شما را برانگیخت و سبک رفتارتان

فَوَجَدَكُمْ خِفَافًا وَ أَحْمَشَكُمْ فَأَلْفَاكُمْ غَضَابًا.

یافت و برافروختان و مشاهده کرد که زود به خشم می آید. آنگاه شما شتران دیگران را مالک

فَوَسَمْتُمْ غَيْرَ إِبِلِكُمْ وَ وَرَدْتُمْ غَيْرَ مَشْرِبِكُمْ.

شدید و به نام خودتان داغ زدید و به آبشخور دیگران فرود آمدید. با اینکه هنوز زمان زیادی

هَذَا وَالْعَهْدُ قَرِيبٌ وَالْكَلَمُ رَحِيبٌ ﴿٤٢﴾ وَالْجُرْحُ

ازعهد _ پیامبر ﷺ نگذشته و زخمها (ی ما در مصیبت آن حضرت) هنوز تازه بود. ﴿٤٢﴾ و جراحت‌ها

لَمَّا يَنْدِمِلْ وَالرَّسُولُ لَمَّا يُقْبَرُ. ابْتِدَارًا زَعَمْتُمْ

التیام نیافته و رسول خدا ﷺ هنوز دفن نشده بود. شما شتابان چنین کرده

خَوْفَ الْفِتْنَةِ ، « أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنْ جَهَنَّمُ

گمان نمودید - اگر نکنید - بیم فتنه می‌رود! » آگاه باشید که به فتنه افتادند و

لَمْ حِيطَ بِالْكَافِرِينَ ۖ ﴿٤٣﴾ فَهِيَ هَاتِ مِنْكُمْ وَ

جهنم در بر گیرنده‌ی کافران است. ﴿٤٣﴾ چه بعید بود از شما!

كَيْفَ بِكُمْ؟! وَ «أَنْتِ تُوَفِّكُونَ»^{۴۴} وَكِتَابُ اللَّهِ

شما را چه شده است؟ «چرا بیراهه می‌روید؟»^{۴۵} در حالی که کتاب خدا

بَيْنَ أَظْهَرِكُمْ؛ أُمُورُهُ ظَاهِرَةٌ وَأَحْكَامُهُ زَاهِرَةٌ

پیش روی شماست؛ امورش آشکار و احکامش روشن و نشانه‌ها و راهنمایی هایش

وَأَعْلَامُهُ بَاهِرَةٌ وَ زَوَاجِرُهُ لَائِحَةٌ وَأَوَامِرُهُ وَاضِحَةٌ

نمایان و نواهی‌اش معلوم و اوامرش واضح است، شما

وَقَدْ خَلَفْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ. أَرُغْبَتُهُ عَنْهُ تَرِيدُونَ؟

آن را وانهادید. آیا می‌خواهید از آن روی بگردانید و

أَمْرِ بغيرِهِ تَحْكُمُونَ؟! «بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا»!

به غیر آن حکم کنید؟ «این چه جایگزینی بدی است برای ستمکاران!»

«وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ

»و هر که جز اسلام آیینی برای خود برگزیند از او پذیرفته نخواهد شد

فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ»^{۴۵} ثُمَّ لَمْ تَلْبَثُوا إِلَّا رَيْثَ

و در آخرت از زیانکاران است»^{۴۶} سپس شما آنقدر درنگ نکردید

أَنْ تَسْكُنَ نَفَرْتُهَا وَبَسَلَسَ قِيَادُهَا^{۴۶} ثُمَّ

تا شمر فتنه از جنبش فروایستد و افسار کردنش آسان شود.

أَخَذْتُمْ تَوْرُونَ وَقَدْتَهَا وَتُهَيِّجُونَ جَمْرَتَهَا وَتَسْتَجِيبُونَ

^{۴۷} بلافاصله _ آتش فتنه را برافروختید و شعله‌هایش را برانگیختید و ندای شیطان

لَهُتَاوِ الشَّيْطَانِ الْغَوِيِّ وَإِطْفَاءُ أَنْوَارِ الدِّينِ الْجَلِيِّ

گمراه را لبیک گفته و به خاموش ساختن نورهای تابناک دین و نابود ساختن سنت‌های

وَاهِمَالِ سُنَنِ النَّبِيِّ الصَّغِيِّ. تُسَرُّونَ حَسَوًا

پیامبر برگزیده پرداختید؛ شما آرام آرام به بهانه‌ی کف روی شیر، خود شیر را می‌نوشید

فِي ارْتِعَاءٍ وَتَمْشُونَ لِأَهْلِهِ وَوُلْدِهِ فِي الْخَمْرِ وَالضَّرَاءِ؟

و پنهان و آشکار علیه خانواده و فرزندان رسول خدا ﷺ اقدام کرده و دست به توطئه

و نَصْبُ مِنْكُمْ عَلَى مَثَلِ حَزَّالْمَدَى وَخِرَالسِّنَانِ

و فریب می زنید. ما شکیبایی می ورزیم همچون کسی که بر زخم چاقو و فرو رفتن نیزه

فِي الْحَسَا ۞ وَأَنْتُمْ لَا أَنْ تَرْعُمُونَ أَنْ لَا إِرْثَ لَنَا؟

در شکم شکیبایی کن! ۷۷ اکنون می پندارید که ما ارثی نداریم،

«أَفَحُكْمُ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ

آیا شما حکم دوران جاهلیت را دنبال می کنید؛ در حالی که برای اهل یقین چه

مِنْ اللَّهِ حُكْمًا الْقَوْمُ يَقُونُ»؟! أَفَلَا تَعْلَمُونَ؟

کسی بهتر از خدا حکم می کند؟ آیا نمی دانید؟ چرا! برایتان همچون

بَلَى قَدْ تَجَلَّى لَكُمْ كَالشَّمْسِ الصَّاحِيَةِ أَنْيَابُنْهُ ﷺ ۞

خورشید فروزان روشن است که من دختر او (پیامبر ﷺ) هستم. ۷۸

أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ! أَأَغْلَبَ عَلَى رُثِي؟ يَا بَنَ ابْنِي خُفَافَةً!

ای مسلمانان! آیا (انصاف است که) من در گرفتن ارثم شکست بخورم؟ ای پسر ابوقحافه! آیا در کتاب

أَفِي كِتَابِ اللَّهِ أَنْ تَرِثَ أَبَاكَ وَلَا إِرْثَ لِي؟ ۞ لَقَدْ

خدا چنین آمده که تو از پدرت ارث ببری و من از پدرم ارث نبرم؟! ۷۹ همانا بر خدا

جِئْتُ شَيْئًا فَرِيًّا^{۱۲}، أَفَعَلَى عَمْدٍ تَرَكْتُمْ كِتَابَ اللَّهِ

و رسولش دروغ می بندی. آیا از روی آگاهی و عمد کتاب خدا را ترک

و نَبَذْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ؟ ۞ إِذْ يَقُولُ: «وَرِثَ

نموده و آن را پشت سرتان انداخته اید» ۸۰ که می فرماید «سلیمان از داود ارث

سُلَيْمَانَ دَاوُدَ»^{۱۳}. وَقَالَ فِيمَا اقْتَصَّ مِنْ خَبَرِ

برد. و در آنجا که از قصه ی یحیی بن زکریا خبر می دهد،

يَحْيَىٰ بْنِ زَكَرِيَّا، إِذْ يَقُولُ: «فَهَبْ لِي مِنْ

می فرماید: «_ خداوندا _ از جانب خود ولی و جانشینی به من عطا کن

لَدُنْكَ وَلِيًّا بِرِثْنِي وَبَرِّتْ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ» وَقَالَ

تا از من و از خاندان یعقوب ارث ببرد » و فرمود :

«وَأُولُوا الْأَنْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي

» در کتاب خداوند برخی از خویشاوندان نسبت به برخی دیگر

كِتَابِ اللَّهِ» ﴿٥١﴾ وَقَالَ: «بُوصِيكُمْ اللَّهُ فِي

سزاوارترند » ﴿٥١﴾ و فرمود: « خداوند شما را سفارش می کند که در میان

أَوْلَادِكُمْ لِلَّذِي كَرِهْتُ مِثْلَ حِظِّ الْأُنثَىٰ بْنِ»^{١٦}

فرزندانتان سهم پسر دو برابر سهم دختر باشد » و فرمود: « اگر مالی از خود به جای

وَقَالَ: «إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَ

گذاشت باید نسبت به پدر و مادر و نزدیکان خود آنگونه که معروف است و نیکوست

الْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ»^{١٧} وَزَعَمْتُ

وصیت کند و این حق است برای پرهیزکاران » و شما پنداشتید من هیچ نصیبی نداشته

أَنْ لَا حُظْوَةً لِي وَلَا ارْثَ مِنْ أَبِي وَلَا رَحِمَ بَيْنَنَا» ﴿٥٢﴾

و از پدرم ارث نمی برم و میان ما رابطه ی خویشاوندی وجود ندارد! ﴿٥٢﴾

أَخْصَصَ اللَّهُ آيَةً أَخْرَجَ مِنْهَا أَبِي! أَمْ هَلْ تَقُولُونَ:

ایا خداوند آیه ای (از قرآن) را به شما اختصاص داده و پدرم (محمد ﷺ) را از آن خارج

إِنَّ أَهْلَ مِلَّتَيْنِ لَا يَتَوَارَثَانِ! أَوْلَسْتُ أَنَا وَآبِي مِنْ أَهْلِ

ساخته است؟ یا این که - در مورد من و پدرم - می گوید: اهل دو دین مختلف، از یکدیگر

مِلَّةٍ وَاحِدَةٍ! أَمْ أَنْتُمْ أَعْلَمُ بِخُصُوصِ الْمُرَّانِ وَ

ارث نمی برند. آیا من و پدرم بر یک دین نیستیم؟ یا این که شما نسبت به مفاهیم خاص و

عَمُّومِهِ مِنْ أَبِي وَابْنِ عَيِّی؟ ﴿٥٣﴾ قَدْ وَنَكَهَا مَخْطُومَةً

عام قرآن از پدرم و پسرعمویم آگاه ترید؟ ﴿٥٣﴾ پس - حال که چنین است این خلافت و فدک -

مَرْحُومَةً! نَلْقَاكَ يَوْمَ حَشْرٍكَ. فَنِعْمَ الْحُكْمُ اللَّهِ!

چون شتری افسار بسته و بارگرفته ارزانی تو باد: تو را در روز محشر ملاقات خواهد کرد و خداوند خوب

وَالزَّعِيمُ مُحَمَّدٌ! وَالْمَوْعِدُ الْقِيَامَةُ! وَعِنْدَ السَّاعَةِ

حکم کننده‌ای است و محمد ﷺ خوب پیشوا و سرپرستی و قیامت خوب وعده‌گامی است و در روز

يُخَسِرُ الْمُبْطِلُونَ. وَلَا يَنْفَعُكُمْ إِذْ تَسْتَدْمُونَ ﴿٥٤﴾ وَ

رستخیز باطل پیشگان زیانکارند و آنگاه هر چه فریاد ندامت بکشید سودی به حال تان ندارد ﴿٥٤﴾ و

لِكُلِّ نَبَاءٍ مُسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٥٥﴾ «مَنْ

برای هر خبری جایگاهی است. «و خواهید دانست که بر چه کسی عذاب

يَأْتِيهِ عَذَابٌ مُخْرِجٌ بِهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ ﴿٥٥﴾

خوارکننده فرود خواهد آمد و عذاب پایدار او را فرا خواهد گرفت» ﴿٥٥﴾

ثُمَّ رَمَتْ عَلَيْهِمُ اِطْرَفُهَا نَحْوُ الْاَنْصَارِ، فَقَالَتْ:

سپس حضرت فاطمه ﷺ رو به انصار نموده به آنان فرمود: ای بزرگان صاحب نفوذ و ای

يَا مَعْشَرَ النِّقِيبَةِ وَأَعْصَادَ الْمِلَّةِ وَحَضَّةَ الْإِسْلَامِ! ﴿٥٦﴾

بازوان دین و پناهگاهان اسلام! ﴿٥٦﴾ این چشم‌پوشی در برابر حق من و این خواب‌آلودگی

مَا هَذِهِ الْغَمِيزَةُ فِي حَقِّي وَالسَّيِّئَةُ عَنْ ظُلَامَتِي؟

در برابر دادخواهی من چیست؟ آیا پدرم رسول خدا ﷺ نمی‌فرمود: احترام هر شخصی را

أَمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَيْ يَقُولُ: الْمَرْءُ يُحْفَظُ

باید در مورد فرزنداناش نیز به جای آورد؟ ﴿٥٧﴾ چه زود - امور را - دگرگون کردید و چه با شتاب تغییر

فِي وَلَدِهِ؟ ﴿٥٧﴾ سَرَعَانَ مَا أَحْدَثْتُمْ! وَعَجَلَانَ ذَا إِهَالَةٍ!

نمودید و پلیدی باطن‌هایتان را در کسوت نیکی‌ها عرضه داشتید! این در حالی است که شما می‌توانید خواسته‌ام

وَلَكُمْ طَاقَةٌ بِمَا أَحَاوِلُ وَقُوَّةٌ عَلَى مَا أَطْلُبُ وَأُزَلُّ! ﴿٥٨﴾

را برآورده سازید و قدرت دارید بر این که آنچه را جویا هستم و در نظر دارم - از مبارزه با غاصبین و بازگرداندن

أَنقُولُونَ: مَاتَ مُحَمَّدٌ ﷺ! فَخَطَبَ جَلِيلٌ

خلافت و فدک - به من بازگردانید! ﴿٥٨﴾ آیا می گوید محمد ﷺ از دنیا رفت - و با مرگش همه چیز تمام شد -؟

اسْتَوْسَعَ وَهْنُهُ، وَاسْتَنْهَرَ فَنَعْتُهُ، وَانْفَنَقَ رُتْقُهُ،

آری - رحلت او - حادثه‌ای عظیم است که شکست و عارضه‌اش فراگیر، شکاف آن دامنه‌دار و رخنه‌اش

وَظَلَمَتِ الْأَرْضُ لِغَيْبَتِهِ وَكُسِفَتِ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ﴿٥٩﴾

غیرقابل پوشش است. زمین از فقدان او تاریک شد و خورشید و ماه روپوشا شدند ﴿٥٩﴾

وَانْتَشَرَتِ النُّجُومُ لِمُصِيبَتِهِ، وَأَكْثَدَتِ الْأَمَالُ وَ

و ستارگان از مصیبتش پراکنده شدند و آرزوها بی ثمر گشت. کوه‌ها سر فرود

خَشَعَتِ الْجِبَالُ وَأُضِيعَ الْحَرِيمُ وَأُزِيلَتِ الْحَرَمَةُ عِنْدَ

آوردند و حریم - پیامبر ﷺ - از بین رفت و با رحلت ایشان احترام او پایمال

مَمَانِهِ ﴿٦٠﴾ فَبَلَكَ وَاللَّهِ! التَّارِزَةُ الْكُبْرَى وَالْمُصِيبَةُ

شد ﴿٦٠﴾ او به خدا سوگند که این فاجعه‌ای بزرگ و مصیبتی عظیم است که مانند آن،

الْعُظَى لَا مِثْلَهَا نَازِلَةٌ وَلَا بَاقِيَةٌ عَاجِلَةٌ ﴿٦١﴾ أَعْلَنَ

فاجعه‌ای وجود ندارد و در این دنیا مصیبتی مانند آن نیست. ﴿٦١﴾ اما این

بِهَا كِتَابُ اللَّهِ - جَلَّ شَأْنُهُ - فِي أَفْنِيكُمْ وَفِي مُسَاكِمِ

مصیبت را کتاب خداوند متعال که آن را در خانه‌هایتان در صبح و

وَمُصْبِحِكُمْ ﴿٦٢﴾ يَهْتَفُ فِي أَفْنِيكُمْ، هُتَافًا وَصَرَخًا

شامگاهان ﴿٦٢﴾ با صدای رسا و بلند و با تلاوت و نوای خوش می‌خوانید؛ پیش‌تر خبر

وَتِلَاوَةً وَأَلْحَانًا. وَلَقَبَلُهُ مَا حَلَّ بِأَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ،

داده بود. پیش از او ﷺ نیز درباره‌ی پیامبران و رسولان همین اتفاق افتاد - آنان نیز از دنیا

حُكْمُ قَضَائِهِ حَتْمٌ ﴿١٣﴾ وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا

رفتند - این حکمی قطعی و سرنوشتی حتمی است که: ﴿١٣﴾ محمد فقط فرستاده‌ی

رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ

خداست و پیش از او فرستادگان دیگری نیز بودند؛ آیا اگر او بمیرد یا کشته شود

قَتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ

شما به گذشته‌ی خود (جاهلیت) باز می‌گردید؟ و هر که به گذشته‌اش باز گردد

عَقْبِيهِ فَلَن يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ ﴿١٤﴾

هرگز به خدا زیانی نمی‌رساند و خداوند به زودی شاکران را پاداش می‌دهد. ﴿١٤﴾

إِنِّي بَنِي قَبِيلَةٍ! أَأَهْضُمُ ثُرَاتَ آبِي وَأَنْتُمْ بَرَأَىٰ مِنِّي

ای فرزندان قبیله - ای انصار - از شما بعید است! آیا شما در پیش چشم من باشید

وَمَسْمَعٍ وَمُنْتَدَىٰ وَجَمْعٍ!! تَلْبَسُكُمْ الدَّعْوَةُ

و صدایم را بشنوید و دارای انجمن و اجتماع باشید آنگاه میراث پدرم را به ستم از

وَتَشْمَلُكُمْ الْخُبْرَةُ وَأَنْتُمْ ذَوُو الْعَدَدِ وَالْعُدَّةُ

من بگیریدند؟! دادخواهی‌ام به شما می‌رسد و از جریان باخبر هستید و دارای نفرات،

وَالْأَدَاةُ وَالْقُوَّةُ وَعِنْدَكُمْ السِّلَاحُ وَالْجُنَّةُ ﴿١٥﴾

آمادگی، تجهیزات و نیرو می‌باشید و سلاح و سپر دارید ﴿١٥﴾

تُؤَافِيكُمْ الدَّعْوَةُ فَلَا تُجِيبُونَ!! وَتَأْنِيكُمْ الصَّرْحَةُ

و پی در پی درخواست - وخواهش - را می‌شنوید آنگاه اجابت نمی‌کنید؟! فریاد کمک

فَلَا تُغِيثُونَ!! وَأَنْتُمْ مَوْصُوفُونَ بِالْكَفَاحِ، مَعْرُوفُونَ

خواهی‌ام به شما می‌رسد و کمک نمی‌کنید؟! این در حالی است که شما را رزمنده

بِالْحَيْرِ وَالصَّلَاحِ وَالنُّجْبَةِ الَّتِي انْخَبَتْ وَالْخَيْبَةُ

می‌خوانند و به خیر و صلاح معروف هستید و نخبه‌هایی برگزیده‌اید و مردمانی منتخب

الَّتِي أَخْبَرْتُ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ ﴿٦٦﴾ قَالْتُمْ الْعَرَبُ وَ

هستید که برای ما اهل بیت انتخاب شده‌اید. ﴿٦٦﴾ شما با مشرکان عرب جنگیدید و رنج‌ها

تَحَمَّلْتُمُ الْكَدَّ وَالْتَّعَبَ وَنَاطَحْتُمُ الْأُمَمَ وَكَافَحْتُمُ

و سختی‌ها را تحمل کردید و با امت‌های کفر درگیر شدید و با شجاعان بی‌منطق جاهل

الْبُهْمَ لَا نَبْرَحُ أَوْ تَبْرَحُونَ ﴿٦٧﴾ نَأْمُرُكُمْ فَاتَمَرُونَّ حَتَّى

روبرو شدید، ﴿٦٧﴾ همواره ما فرمان می‌دادیم و شما اطاعت می‌کردید تا آن که سنگ

إِذَا دَارَتْ بِنَارِحَى الْإِسْلَامِ وَدَرَّ حَلَبُ الْأَيَّامِ وَ

آسیاب اسلام به وجود ما به گردش افتاد و برکات روزگار جوشیدن گرفت

خَضَعَتْ نَعْرَةَ الشِّرْكِ وَسَكَنْتْ فَوْرَةُ الْإِفْكِ وَ

و نعره‌ی شرک فرو خوابید و فوران دروغ و تهمت از خروش افتاد و

خَمَدَتْ نِيرَانُ الْكُفْرِ وَهَدَأَتْ دَعْوَةُ الْهَرَجِ

آتش‌های کفر خاموش شد و دعوت به آشوب و فتنه متوقف

وَأَسْتَوْسَقَ نِظَامُ الدِّينِ ﴿٦٨﴾ فَأَنَّى حَرُمْتُ بَعْدَ الْبَيَانِ وَ

گردید و نظام دین انسجام یافت. ﴿٦٨﴾ پس چرا اکنون پس از هدایت حیران

أَسْرَرْتُكُمْ بَعْدَ الْإِعْلَانِ وَنَكَصْتُمْ بَعْدَ الْإِقْدَامِ ﴿٦٩﴾

گفته‌اید و حق را که آشکار شده پنهان می‌کنید؟! چرا پس از پیشروی عقب می‌نشینید ﴿٦٩﴾

وَأَشْرَكْتُمْ بَعْدَ الْإِيمَانِ؟! بُوَسَّالِقَوْمِ نَكَوْا أَيْمَانَهُمْ

و پس از ایمان، شرک می‌ورزید؟! بپایان به حال «مردمی که سوگندهایشان

مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ» وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهَمُّ

را پس از پیمان شکستند و تصمیم به بیرون راندن رسول گرفتند در حالی که نخستین بار

بَدَّوْكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ اتَّخَشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ يَخْشَوْهُ

آنها (پیکار با شما را) آغاز کردند، آیا از آنها می‌ترسید؟ با این که اگر ایمان دارید خدا

إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٧٠﴾ أَلَا وَفَدَّ أَرَى أَنْ قَدْ أَخْلَدْتُمْ

سزاوارتر است که از او بترسید ﴿٧٠﴾ آگاه باشید که شما را چنین می بینم که به پستی

إِلَى الْخَفْضِ وَأَبْعَدْتُمْ مَنْ هُوَ أَحَقُّ بِالْبَسْطِ وَالْفَبْضِ

و آسایش روی آورده اید و کسی را که سزاوارتر به تدبیر امور بود دور کرده و به آرامش

وَخَلَوْتُمْ بِالْدَّعَةِ وَنَجَوْتُمْ بِالضِّيقِ مِنَ السَّعَةِ ﴿٧١﴾ فَجَجْتُمْ

و خوشگذرانی روی آورده و از تنگنا به وسعت رسیده اید ﴿٧١﴾ و - به همین خاطر - آنچه را

مَا وَعَبْتُمْ وَدَسَعْتُمُ الَّذِي تَسَوَّغْتُمْ. فَ «إِنْ تَكْفُرُوا

پاس می داشتید رها کردید و آن حقیقت گوارایی را که نوشیده بودید قی کردید! « بدانید

أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌ حَمِيدٌ ﴿٧٢﴾

اگر شما و همه ی مردم روی زمین کافر شوید خداوند بی نیاز و ستوده است ﴿٧٢﴾

أَلَا! وَفَدَّ قُلْتُ مَا قُلْتُ هَذَا عَلَى مَعْرِفَةٍ مِنِّي بِالْخَذَلِ

آگاه باشید آنچه را که در اینجا گفتم، بر زبان آوردم در حالی که می دانستم یاری ام نمی کنید و

الَّتِي خَامَرْتُكُمْ وَالْغَدْرَةَ الَّتِي اسْتَشَعَرْتُهَا فَلَوْ بُكْرُمُ ﴿٧٣﴾

خوار گذاشتن ما با وجودتان در آمیخته و دلهایتان جامه ی بی وفایی به پیمان پوشیده است. ﴿٧٣﴾

وَلَكِنَّهَا فَيْضَةُ النَّفْسِ وَنَفْسُهُ الْعَيْطُ وَخَوْرُ الْقَنَافِ ﴿٧٤﴾

اما آنچه را بیان کردم جوششی بود که از جان برخاست و آهی بود که از خشم برآمد ﴿٧٤﴾ چون در گرفتن حَم -

وَبَثَّةُ الصَّدْرِ وَتَقْدِمَةُ الْحُجَّةِ ﴿٧٥﴾ فَدَوْنُكُمُوهَا فَاحْتَقِبُوهَا

نا توان و بی یاور هستم و این اندوه، جانکاه سینه بود و این ها را برای اتمام حجت گفتم. ﴿٧٥﴾ پس این - خلافت و

دَبْرَةَ الظَّهِرِ نَقَبَةُ الْخُفِّ بِأَفْيَةِ الْعَارِ، مَوْسُومَةُ بَغْضِ

فدک - را بگیرد و این - شتر را برای خود - محکم بیندید در حالی که پشش زخمی و پایش لنگ است و ننگ

الْجَبَّارِ وَشَنَارِ الْأَبَدِ، مَوْصُولَةٌ بِنَارِ اللَّهِ الْمُوقَدَةِ «الَّتِي

- غصب کردن - آن همراهتان خواهد بود و از خشم خداوند جبار و بدنامی جاودان نشان خواهد داشت و شما را

تَطَاعِ عَلَى الْإِفْدَةِ^{۲۳} ﴿۷۱﴾ فَبِعَيْنِ اللَّهِ مَا تَفْعَلُونَ. «وَسَيَعْلَمُ

به آتش پراخورخته خدا خواهد رسانید» آتشی که بر دلها شعله می کشد ﴿۷۱﴾ و هر چه کنید در منظر و دیدرس

الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيُّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ ﴿۷۲﴾ وَأَنَا ابْنَةُ نَذِيرٍ

خداست. «و کسانی که ستم کردند به زودی خواهند دانست که به کدامین جایگاه باز می گردند» ﴿۷۲﴾ من

لَكُمْ بَيْنَ يَدَيَّ عَذَابٌ شَدِيدٌ^{۲۴}. فَاعْمَلُوا إِنَّا عَامِلُونَ.

دختر آن کسی هستم که شما را از عذاب سخت بیم می داد. پس به کارتان مشغول باشید،

وَانْظُرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ^{۲۵} ﴿۷۸﴾ فَأَجَابَهَا أَبُو بَكْرٍ،

ما نیز به کار خود می پردازیم و منتظر باشید که ما هم منتظریم. ﴿۷۸﴾ ابوبکر در پاسخ

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُثْمَانَ، وَقَالَ: يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ! لَقَدْ

آن حضرت گفت: ای دختر رسول خدا! پدرت ﷺ نسبت به

كَانَ أَبُوكَ بِالْمُؤْمِنِينَ عَطُوفًا كَرِيمًا رَوْفًا

مؤمنان دلسوز، بزرگوار، رثوف و مهربان بود و برای کافران

رَحِيمًا وَعَلَى الْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا وَعِقَابًا عَظِيمًا.

عذابی دردناک و مجازاتی بزرگ بود.

إِنْ عَزَوْنَاهُ وَجَدْنَاهُ أَبَاكَ دُونَ النِّسَاءِ وَأَخَا الْفِرْ

اگر پی گیر نسب او شویم می بینیم پدر توست نه پدر دیگران و برادر همدم و

دُونَ الْأَخِلَاءِ. أَثَرُهُ عَلَى كُلِّ حَمِيمٍ وَسَاعَدَهُ فِي

شوهر توست نه دیگر دوستان، - پدرت - او را بر تمامی یاوران مقدم می داشت

كُلِّ أَمْرٍ جَسِيمٍ لَا يُحِبُّكُمْ إِلَّا سَعِيدٌ وَلَا

و او نیز در هر امر مهمی یاری اش می نمود. شما را جز سعادتمند دوست

يُبْغِضُكُمْ إِلَّا شَقِيٌّ بَعِيدٌ. فَأَنْتُمْ عِثْرَةُ رَسُولِ اللَّهِ

نمی دارد و جز بدبخت و دور از رحمت خدا دشمن نمی شمارد. شما خانواده ی

الطَّيِّبُونَ الْخَيْرَةُ الْمُنتَجِبُونَ. عَلَى الْخَيْرِ أَدَلَّتُنَا

پاک رسول خدا ﷺ و بهترین برگزیدگان هستید که راهنمایان ما به

وَإِلَى الْجَنَّةِ مَسَالِكُنَا. وَأَنْتِ يَا خَيْرَةَ النِّسَاءِ

سوی خیر و راه‌های ما به سوی بهشتید. تو ای بهترین زنان و دختر

وَابْنَةُ خَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ! صَادِقَةٌ فِي قَوْلِكَ، سَابِقَةٌ

بهترین پیامبران، در گفتار راستگو و در کمال دانشت از دیگران پیش

فِي وَفْوَرِ عَقْلِكَ، غَيْرُ مُرَدُّودَةٍ عَنْ حَقِّكَ وَلَا

هستی و از حَقَّت باز داشته نخواهی شد

مَصْدُودَةٍ عَنْ صِدْقِكَ. وَاللَّهِ! مَا عَدَوْتُ رَأَى

و گفتار راستین‌ات رد نمی‌گردد. به خدا سوگند من از نظر رسول خدا

رَسُولِ اللَّهِ وَلَا عَمِلْتُ إِلَّا بِإِذْنِهِ. وَالرَّائِدُ لَا

تجاوز ننموده و جز با اجازه‌ی او عمل نکرده‌ام، همانا پیشاهنگ به

بِكَذِبِ أَهْلِهِ. وَإِنِّي أَشْهَدُ اللَّهَ، وَكَفَى

گروه خود دروغ نمی‌گوید و من خدا را گواه می‌گیرم و گواهی او کافی است

بِرَّ شَهِيدًا، أَنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ، يَقُولُ: نَحْنُ

که از رسول خدا ﷺ شنیدم می‌فرمود: ما پیامبران طلا،

مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ لَا نُورُثُ ذَهَبًا وَلَا فِضَّةً وَلَا دَارًا

نقره، خانه و زمین به ارث نمی‌گذاریم ما فقط کتاب،

وَلَا عِقَارًا وَإِنَّمَا نُورِثُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ

حکمت، علم و نبوت از خود به جای می‌گذاریم و از متاع

وَالْعِلْمَ وَالنُّبُوَّةَ. وَمَا كَانَ لَنَا مِنْ طُعْمَةٍ فَلَوْلِي

آنچه در دست ماست پس از ما از آن سرپرست حکومت بعد از ما خواهد بود،

الْأَمْرَ بَعْدَنَا أَنْ يَحْكُمَ فِيهِ بِحُكْمِهِ. وَقَدْ

که هر گونه می‌خواهد درباره‌ی آن حکم نماید. ما هم آنچه را

جَعَلْنَا مَا حَاوَلْتَهُ فِي الْكُرَاعِ وَالسَّلَاحِ، يُقَاتِلُ

تو در پی آن هستی - درآمد فدک را - برای تهیه‌ی اسب و سلاح قرار دادیم تا

بِهَا الْمُسْلِمُونَ وَيُجَاهِدُونَ الْكُفَّارَ وَيُجَالِدُونَ

مسلمانان به وسیله‌ی آن با کفار بجنگند و با سرکشان ستمکار جهاد کنند و این

الْمَرْدَةَ الْفُجَّارَ. وَذَلِكَ بِاجْتِمَاعِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ لَمْ

کار با اتفاق نظر مسلمانان صورت گرفت و من به تنهایی چنین تصمیمی نگرفتم

أَنْفَرِدُ بِهِ وَحْدِي وَلَمْ أَسْتَيْدِبْ مَا كَانَ الرَّأْيُ

و در نظری که داشتم خود رأی نبودم. این دار و ندار من است و اکنون در

عِنْدِي. وَهَذِهِ حَالِي وَمَالِي! هِيَ لَكَ وَبَيْنَ يَدَيْكَ

اختیار توست، آن را از تو دور نمی‌سازم و آن را فقط برای خودم ذخیره

لَا تُزَوِّى عَنْكَ وَلَا نَدْخُرُ دُونَكَ. وَإِنَّكَ وَأَنْتَ سَيِّدَةٌ

نمی‌کنم بطوری که تو از آن بی نصیب باشی. تو بانوی امت پدرت

أُمَّةٌ أَبِيكَ وَالشَّجَرَةُ الطَّيِّبَةُ لِبَنِيكَ. لَا نَدْفَعُ مَالَكَ

و درخت پاک فرزندانست هستی. ما منکر فضیلت تو

مِنْ فَضْلِكَ وَلَا نُؤْضِعُ فِي فَرْعِكَ وَأَصْلِكَ. حُكْمُكَ

نبوده و از اصل و فرع تو چیزی کم نمی‌داریم.

نَافِذٌ فِيمَا مَلَكَتْ يَدَايَ. فَهَلْ تَرَيْنَ أَنْ أَحَالَفَ فِي

هر آنچه از اموال شخصی من بخواهی پذیرفته است اما آیا نظرت این است که در این باره - فدک -

ذَاكَ أَبَاكَ؟ ﴿٧٩﴾ فَقَالَتْ عَلَيْهَا: سُبْحَانَ اللَّهِ! مَا كَانَ أَلِيَّ

با پدرت ﴿٧٩﴾ مخالفت نمایم؟! ﴿٨٠﴾ فاطمه علیها السلام فرمود: سبحان الله! پدرم رسول خدا ﷺ

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنْ كِتَابِ اللَّهِ صَادِقًا وَلَا لِأَحْكَامِهِ

از کتاب خدا روی گردان نبود و با احکام و فرامین آن مخالفت نمی کرد بلکه

مُخَالِفًا بَلْ كَانَ يَتَّبِعُ أَثَرَهُ وَيَقْفُو سُورَهُ ﴿٨٧﴾ أَفَتَجْمَعُونَ إِلَى

کاملاً از آن پیروی نموده و دنباله رو سوره هایش بود. ﴿٨٧﴾ آیا در توجیه خیانتی که بر

الْغَدْرِ اعْتَدَلَا عَلَيْهِ بِالزُّورِ؟ وَهَذَا بَعْدَ وَفَاتِهِ

آن همدست شده اید دروغ و بهتان به پیامبر ﷺ می بندید؟! این خیانت پس از وفات آن حضرت مانند آن

شَبِيهِ بِمَا بُغِيَ لَهُ مِنَ الْغَوَائِلِ فِي حَيَاتِهِ ﴿٨٨﴾ هَذَا كِتَابُ اللَّهِ

توطئه هایی است که برضد او در زمان حیاتش - توسط شما - انجام می شد. ﴿٨٨﴾ این کتاب خداست؛

حَكَمًا عَدْلًا وَنَاطِقًا فَضْلًا؛ يَقُولُ: «بَرَثْنِي وَبَرِثْ

داوری سراپا عدل و سخنگویی که حکم قطعی و حرف آخر را می زند، می فرماید: «تا ز من و از

مِنَ آلِ يَعْقُوبَ» ﴿٨٩﴾ وَيَقُولُ: «وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ» ﴿٩٠﴾

آل یعقوب ارث ببرد ﴿٨٩﴾ و می فرماید: «سلیمان از داود ارث بُرد ﴿٩٠﴾

وَبَيِّنَ عَزَّ وَجَلَّ فِيمَا وَزَعَ مِنَ الْأَقْسَاطِ وَشَرَعَ مِنْ

خداوند در آنجا که نحوه ی تقسیم ارث را بیان داشته و قانون

الْفَرَائِضِ وَالْمِيرَاثِ وَأَبَاحَ مِنْ حَظِّ الذَّكَرَانِ وَالْأُنَاثِ، ﴿٩١﴾

میراث را بنیان نهاده و سهم مردان و زنان را توضیح داده است، ﴿٩١﴾

مَا أَزَاحَ بِهِ عِلَّةَ الْمُبْطِلِينَ وَأَزَالَ النَّظْيَ وَالشُّبُهَاتِ

این قوانین را به گونه ای روشن ساخته است که جایی برای توجیه باطل پیشگان نگذاشته و گمانه زنی و

فِي الْغَابِرِينَ ﴿٩٢﴾ كَلَّا. «بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ

شبهه را برای آیندگان از میان برده است. ﴿٩٢﴾ هرگز چنین نیست، (بلکه نفس شما این کار - زشت - را برایتان

أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ» ﴿٩٣﴾

زینت داده، - حال که چنین است - من شایسته شکیبایی می ورزم و در برابر آنچه می گوید از خداوند یاری

فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ: صَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَتْ ابْنَتُهُ؛

می‌جویم. ﴿۸۵﴾ ابوبکر به آن بانو گفت: خدا و فرستاده‌اش و دختر او راست گفتند.

أَنْتِ مَعْدِنُ الْحِكْمَةِ وَمَوْطِنُ الْهُدَى وَالرَّحْمَةِ

تو معدن حکمت و محل هدایت و رحمت بوده

وَرُكْنُ الدِّينِ وَعَيْنُ الْحُجَّةِ. لَا أَبْعُدُ صَوَابَكَ وَ

و رکن دین و حجت کامل هستی. من گفتار درست تو را رد نمی‌کنم و

لَا أَنْكِرُ خَطَابَكَ. هَؤُلَاءِ الْمُسْلِمُونَ بَيْنِي وَ

سخنانت را منکر نمی‌شوم، اکنون این مسلمانان میان من و

بَيْنِكَ، قَلَدُونِي مَا تَقَلَّدْتُ وَبِاتِّفَاقٍ مِنْهُمْ أَخَذْتُ

تو گواهند. آنچه را - از خلافت - بر عهده گرفتم، آنان بر گردنم گذاشتند و آنچه را

مَا أَخَذْتُ، غَيْرَ مُكَابِرٍ وَلَا مُسْتَبِدٍّ وَلَا

را قبول کردم با اتفاق نظر آنان بود بی آن که لجاجت و خودرایی کرده و

مُسْتَأْثَرٍ. وَهُمْ بِذَلِكَ شُهُودٌ ﴿۸۶﴾ فَانْفَقَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا

خود را مقدم داشته باشم. ﴿۸۶﴾ فاطمه علیها السلام روی به مردم کرد

إِلَى النَّاسِ وَقَالَتْ: مَعَاشِرَ الْمُسْلِمِينَ! الْمُسْرَعَةُ إِلَى

و فرمود: ای مسلمانان! چه سریع به سوی گفتار باطل رفتید

قِيلِ الْبَاطِلِ الْمُغْضِيَةِ عَلَى الْفِعْلِ الْقَبِيحِ الْخَاسِرِ! ﴿۸۷﴾

و بر کار زشت زیانبار چشم فروبستید، ﴿۸۷﴾

«أَفَلَا يَنْدَرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا؟» ﴿۸۸﴾ كَلَّا

آیا در قرآن نمی‌اندیشید یا این که بر دلهایتان قفل زده‌اند. ﴿۸۸﴾

بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَا آسَأْتُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ، فَأَخَذَ

چنین نیست، بلکه کارهای زشتی که کردید دلهایان را فرا گرفته

بِسْمِعِكُمْ وَأَبْصَارِكُمْ. وَلَيْسَ مَا تَأْوَلْتُمْ وَسَاءَ

و گوش و چشم شما را فرو بسته است و چه ناروا کار را بازگردانید و چه بد راهی را

مَا يَهْ أَسْرْتُمْ وَشَرَّ مَا مِنْهُ اغْتَصَبْتُمْ ﴿٨٩﴾ لَنَجِدَنَّ وَاللَّهِ اِمْحِلْهُ

نشان دادید و چه نارواست آنچه غصب کرده و به ستم گرفتید. ﴿٨٩﴾ به خدا سوگند که عقوبت

ثَقِيلًا وَغِيْبُهُ وَبَيِّنًا اِذَا كُشِفَ لَكُمْ الْغَطَاءُ وَبَانَ

این کار را سنگین خواهید دید و پیمادش را فاجعه آمیز خواهید یافت. هنگامی که پرده‌ها

بِالدِّرَآئِهِ الصَّرَاءُ وَبَدَّالَكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا

به کنار رود و سختی‌ها و عذابهای پشت آن پدیدار گردد و از سوی پروردگارتان برایتان آنچه که فکرش را

نَحْتَسِبُونَ. ﴿٩٠﴾ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ ﴿٩١﴾ ثُمَّ

هم نمی‌کنید آشکار شود، در آن هنگام باطل‌پیشگان زیانکارند. ﴿٩٠﴾ سپس

عَطَفَتْ عَلَى قَبْرِ النَّبِيِّ ﷺ وَقَالَتْ: ﴿٩١﴾

روی به قبر پیامبر ﷺ آورد و عرضه داشت: ﴿٩١﴾

فَذَكَانَ بَعْدَكَ اَنْبَاءٌ وَهَنْبَثَةٌ

پس از تو حوادث و گرفتاری‌هایی پدید آمد

لَوْ كُنْتَ شَاهِدًا لَمْ تَكُنْ اِلَّا حُطْبُ ﴿٩٢﴾

که اگر حضور می‌داشتی مصیبت فراوان نمی‌شد. ﴿٩٢﴾

اِنَّا فَتَدْنَاكَ فَتَدَ الْاَرْضُ وَاِبْلَهَا

ما تو را از دست دادیم بسان زمینی که باران را از دست دهد

وَاحْتَلَّ قَوْمُكَ فَاشْهَدُ هُمْ وَلَا نَغِبُ ﴿٩٣﴾

و پس از رفتنت قوم تو دگرگون شدند گواهشان باش و از آنان غائب نشو! ﴿٩٣﴾

وَكُلُّ اَهْلٍ لِّهُ قُرْبَى وَمَنْزِلَةٌ

هر خویشاوندی که در نزد بستگان و نزدیکان از مکان و منزلتی برخوردار است

عِنْدَ الْإِلَهِ عَلَى الْأَدْنَىٰ مُقْتَرَبٌ ﴿٩٤﴾

نزد خدا آن منزلت پذیرفته است. ﴿٩٤﴾

أَبَدْتُ رِجَالًا لَّنَا جُورِي صُدُورِهِمْ

گروهی از مردان آنچه در سینه داشتند علیه ما آشکار کردند

لَمَّا مَضَيْتِ وَحَالَتِ دُونَكَ التُّرْبُ ﴿٩٥﴾

در زمانی که رفتی و خاک میان ما و تو پرده کشید. ﴿٩٥﴾

تَجَهَّمْنَا رِجَالًا وَاسْتُخِفَّ بِنَا

وقتی از دست رفتی مردانی بر ما هجوم آوردند

لَمَّا فُتِدَتْ وَكُلُّ الْأَرْضِ مُغْصَبٌ ﴿٩٦﴾

ما را ناچیز شمردند و همه‌ی میراث ما را غصب کردند. ﴿٩٦﴾

وَكُنْتُ بَدْرًا وَنُورًا لِّسُتَظَايِهِ

ماه کامل و نوری بودی که از آن فروغ می‌گرفتند

عَلَيْكَ تُنْزَلُ مِنْ ذِي الْعِزَّةِ الْكُتُبُ ﴿٩٧﴾

و از جانب خداوند عزیز بر تو کتاب نازل می‌شد. ﴿٩٧﴾

وَكَانَ جِبْرِيلُ بِالْآيَاتِ يُؤَنِّسُنَا

جبرئیل با آیات وحی مونس ما بود

فَقَدْ فُتِدَتْ وَكُلُّ الْحَبْرِ مُحْتَجِبٌ ﴿٩٨﴾

تو رفتی و تمامی خیرها از ما پنهان گشت ﴿٩٨﴾

فَلَيْتَ قَبْلَكَ كَانَ الْمَوْتُ صَادِقًا

کاش پیش از آن که خاک‌ها میان ما

لَمَّا مَضَيْتِ وَحَالَتِ دُونَكَ الْكُتُبُ ﴿٩٩﴾

و شما حایل شوند مرگ ما فرا رسیده بود ﴿٩٩﴾

إِنَّا رُزْنَا بِمَا لَمْ يَرْزَ ذُو شَجَنِ

ما به چیزی سوگوار شدیم که هیچ غم زده‌ای

۱۱۰ مِنَ الْبَرِيَّةِ لَا حُجْمٌ وَلَا عَرَبٌ

۱۱۰

از مردم از دور و نزدیک بدان مبتلا نشده است

ثُمَّ أَنْكَفَأْتُ لِلَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِتَوَقُّعِ رُجُوعِهَا

آنگاه حضرت فاطمه عليها السلام بازگشت در حالی که امیرمؤمنان در انتظار بازگشت

إِلَيْهِ وَبَطَّلَعَ طُلُوعَهَا عَلَيْهِ ۱۱۱ فَلَمَّا اسْتَقَرَّتْ بِهَا الدَّارُ

ایشان و ورود حضرتش به خانه بود. ۱۱۱ چون فاطمه عليها السلام به خانه رسید و آرام

قَالَتْ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا بَنَ أَبِي طَالِبٍ! اسْتَمَلْتُ

گرفت، به امیرمؤمنان عليها السلام عرض کرد: ای پسر ابوطالب! همچون جنین پرده بر

شُمْلَةَ الْجَنِينِ وَقَعَدْتُ حُجْرَةَ الظَّنِّينِ ۱۱۲ نَفَضْتُ

خود پیچیده‌ای و مانند افراد متهم در خانه نشسته‌ای، ۱۱۲ کسی بودی که شهر

قَادِمَةَ الْأَجْدَلِ فَحَاثَكَ رِيشُ الْأَعْزَلِ. هَذَا ابْنُ

عقاب‌ها را در هم شکستی و اکنون این ناچیزها تو را ناتوان ساخته‌اند. این پسر ابوقحافه

أَبِي قُحَافَةَ يَبْتَزُّنِي نِحْلَةَ أَيْ وَبُلْغَةَ ابْنِي ۱۱۳ لَقَدْ

— ابویکر — است که عطای پدرم و وسیله‌ی معیشت فرزندانم را از من می‌رباید ۱۱۳ در دشمنی با من

أَجْهَدَنِي خِصَامِي وَالْفَيْتُهُ أَلَدَّ فِي كَلَامِي حَتَّى

سخت می‌کوشد و در گفتار با من، دشمنی و کینه‌توزی می‌کند. — کارم — به آنجا رسید که

حَبَسْتَنِي قَيْلَةً نَصْرَهَا وَالْمُهَاجِرَةَ وَصَلَهَا وَغَضَّتْ

انصار از یاری‌ام خودداری کردند و مهاجرین پیوند مرا نادیده گرفتند و مردم چشم بر هم

الْجَمَاعَةُ دُونَ طَرَفِهَا ۱۱۴ فَلَا دَافِعَ وَلَا مَانِعَ. خَرَجْتُ

گذاشتند تا — حق — مرا نیندند. ۱۱۴ هیچ‌کس از من دفاع نکرد و مانع ستم بر من نشد. به هنگام

كَأُظْهَةٌ وَعُدْتُ رَاغِمَةً. أَضَرَعْتَ حَدَّكَ بَوْمَ

رفتن خشم فروخورده و به وقت بازگشتن شکست خورده بودم. از آن هنگام که شمشیر فرو گذاشتی،

أَضَعْتَ حَدَّكَ. أَفْتَرَسْتَ الذِّئَابَ وَافْتَرَسَتِ التُّرَابَ.

چهره‌ی خود را خوار نمودی. تو بودی که گرگ‌ها را پاره کردی و اکنون خاک‌نشین گشته‌ای. نه

مَا كَفَفْتَ قَائِلًا وَلَا أَغْنَيْتَ طَائِلًا. وَلَا خِيَارَ لِي ﴿١٠٥﴾

گوینده‌ای را باز می‌داری و نه کار سودمندی به انجام می‌رسانی و از من کاری ساخته نیست. ﴿١٠٥﴾

لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ مَنَبَّتِي وَدُونَ ذِلَّتِي! عَذِيرِي لِلَّهِ!

ای کاش پیش از این وقت و پیش از این خواری‌ام مرده بودم. از پروردگار

مِنْهُ عَادِيًا وَمِنْكَ حَامِيًا. وَيَلَايَ فِي كُلِّ شَارِقٍ،

جانبداری‌اش را می‌خواهم که یاورم این‌گونه است و دشمنم آن‌گونه. وای بر

وَيَلَايَ فِي كُلِّ غَارِبٍ! مَا تَ الْعَمْدُ وَوَهَيْتَ

من در هر سپیده دم. وای بر من در هر شامگاه. تکیه‌گاه ما رفت و بازوی ما

الْعُضْدُ ﴿١٠٦﴾ شَكُوایَ إِلَى أَبِي وَعَدُوایَ إِلَى رَبِّیَّ.

سست گردید. ﴿١٠٦﴾ شکوه‌ام را به پدرم و دادخواهی‌ام را به پروردگارم می‌کنم:

اَللّٰهُمَّ! اِنَّكَ اَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَحَوْلًا وَاَشَدُّ بِاَسَاوِ

خداوندا! تو از آنان نیرومندتر و تواناتر و عذاب و مجازات تو

نَكِيلاً ﴿١٠٧﴾ فَقَالَ اَمِيْرُ الْمُؤْمِنِيْنَ عليه السلام: لَا وَيْلَ لَكَ بَلِ

سخت‌تر است. ﴿١٠٧﴾ امیرمؤمنان عليه السلام به آن حضرت فرمود: وای بر تو نیست ای دختر سرور پیامبران،

الْوَيْلُ لِسَانِكَ ﴿١٠٨﴾ ثُمَّ نَهَى عَنْ وَجْدِكَ، يَا ابْنَةَ

بلکه وای بر دشمن توست. از این خشم خوشتن داری کن ﴿١٠٨﴾ ای دختر برگزیده‌ی خدا و ای

الصَّفْوَةَ وَبَقِيَّةَ النُّبُوَّةِ! فَمَا وَنَبْتُ عَنْ دِينِي وَلَا

باقیمانده‌ی نبوت! من در دینم سست نشده‌ام و در آنچه توانش را

أَخْطَأْتُ مَقْدُورِي فَإِنْ كُنْتُ تُرِيدِينَ الْبُلْغَةَ

داشتم کوتاهی نکرده‌ام، اگر به دنبال معیشت هستی، روزی‌ات ضمانت شده و آن

فِرْزُكَ مَضْمُونٌ وَكَفِيلُكَ مَأْمُونٌ. وَمَا أَعْدَاكَ

که کفیل توست امین و مورد اعتماد است. و آنچه برایت مهیا ساخته برتر از آن چیزی

أَفْضَلُ مِمَّا قُطِعَ عَنْكَ. فَاحْتَسِبِي اللَّهَ ﴿١٠٩﴾ فَقَالَتْ:

است که از تو گرفته شده است. پس به حساب خدا بگذرا! ﴿١٠٩﴾ فاطمه علیها السلام فرمود:

حَسْبِيَ اللَّهُ وَلِعَمَّ الْوَكِيلُ، وَأَمْسَكَتْ

خداوند مرا کافی است و او خوب حمایت کننده ای است و سکوت کرد ﴿١١٠﴾

قَالَ سُؤَيْدُ بْنُ غَفَلَةَ: لَمَّا مَرَضَتْ فَاطِمَةُ سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهَا

سُؤید بن غفله می‌گوید: زمانی که فاطمه علیها السلام بیمار گردید،

- الْمَرَضَةُ الَّتِي تُوفِّيَتْ فِيهَا - دَخَلَتْ عَلَيْهَا نِسَاءُ

همان بیماری ای که به وفات ایشان منجر شد گروهی از زنان

الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ، يَعُدُّنَهَا. فَقُلْنَ لَهَا:

مهاجرین و انصار برای عیادت به نزد آن حضرت رفتند. پرسیدند:

كَيْفَ أَصْبَحْتَ مِنْ عِلَّتِكَ يَا ابْنَةَ رَسُولِ اللَّهِ؟ ﴿١١١﴾

ای دختر فرستاده‌ی خدا! با بیماریت چگونه‌ای؟ ﴿١١١﴾

فَحَمِدَتْ اللَّهَ وَصَلَّتْ عَلَى أَبِيهَا. ثُمَّ قَالَتْ: أَصْبَحْتُ وَاللَّهِ!

فاطمه علیها السلام خدا را سپاس گفت و بر پدر خویش درود فرستاد سپس فرمود: به خدا

عَاقِبَةُ لِدُنْيَا كُنَّ، قَالِيَةً لِرَجَالِ كُنَّ، ﴿١١٢﴾ لَقَطُوا لَهُمْ بَعْدَ

سوگند که از دنیای شما ناخشنود و از مردان تان متنفرم. ﴿١١٢﴾ پس از آن که آن‌ها را

أَنْ عَجَمْنَاهُمْ وَاسْتَمْنَاهُمْ بَعْدَ أَنْ سَبَرْنَاهُمْ. فَتُبَّحَّا

آزمودم دورشان ساختم و هنگامی که به درستی شناختم‌شان، از آنها بیزار شدم.

لِفُلُولِ الْحَدِّ، وَاللَّعِبِ بَعْدَ الْجِدِّ، وَقَرْعِ الصَّعَاةِ؛ وَ

زشت باد کند شدن شمشیرهای _شان_ و به بازی روی آوردن شان پس از جدیت. زشت باد

صَدْعِ الْقَنَاةِ، وَخْتِلِ الْأَرَاءِ، وَزَلِ الْأَهْوَاءِ وَ «بُسْ

بیبوده کاری آن‌ها و شکسته شدن نیزه‌هایشان و کژروی اندیشه‌ها و لغزش خواہش‌هایشان؛

مَا قَدَّمْتُ لَهُمْ أَنْفُسَهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ

چه اندوخته‌ی ناپسندی برای خویش پیش فرستادند زیرا که خشم خدا بر آنان خواهد

فِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ» ﴿۱۱۳﴾ لَاجَرَمَ لَقَدْ قَلَّدَتْهُمْ

بود و در عذاب جاویدان باقی خواهند ماند. ﴿۱۱۳﴾ پس به ناچار ریسمان آن را به گردن خودشان

رَبَّقْنَهَا وَحَمَلْنَهُمْ أَوْقَنْهَا وَشَنَنْتُ عَلَيْهِمْ غَارَتَهَا.

انداختم و سنگینی _ گناهشان _ را بر ایشان بار کردم و هجوم و تاراج ناشی از این کوتاهی را به سوی خودشان

فَجَدُّعًا وَعَقْرًا وَ «بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» ﴿۱۱۴﴾ وَحُكْمُهُ!

قرار دادم. دور _ از رحمت خدا _ باشند و ازین رفته و ناپود گردند گروهی که ستمکارند. ﴿۱۱۴﴾ وای بر آن‌ها!

أَلَمْ نَزَعُوهَا عَنْ رَوَاسِي الرِّسَالَةِ وَقَوَاعِدِ النُّبُوَّةِ

خلافت را از چه جایگاهی دور ساختند؟ از جایگاه استوار رسالت و پایگاه نبوت و راهنمایی؛

وَالذَّلَالَةِ وَمَهْطِ الرُّوحِ الْأَمِينِ ﴿۱۱۵﴾ وَالظَّالِمِينَ

و از محل فرود روح الامین ﴿۱۱۵﴾ و از شخص آگاه و چیره به همه‌ی امور دنیا

بِأُمُورِ الدُّنْيَا وَالْدِّينِ ۱۴ «الَّذِي هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ» ﴿۱۱۶﴾

و دین؟! بدانید که این همان زیانکاری آشکار است. ﴿۱۱۶﴾

وَمَا الَّذِي نَقَمُوا مِنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ ۱۵ نَقَمُوا وَاللَّهُ مِنْهُ

برای چه از ابا الحسن _ علی _ خشنود نیستند؟! به خدا سوگند که از بدآورد

نَكِيرَ سَيْفِهِ وَفَلَّةَ مُبَالَايَةِ لِحْفِهِ وَشِدَّةَ وَطْأَنِهِ

شمشیرش و از بی‌باکی او از مرگ و پایمردی‌اش _ در راه خدا _ و تلخکامی

وَنَكَالَ وَقُعْنِهٖ وَتَنَمُّرُهُ فِي ذَاتِ اللَّهِ ﴿١١٧﴾ وَنَالَهُ! لَوْ

جنگاوری او و سخت گیری اش درباره ی خدا ناخوش بودند. ﴿١١٧﴾ به خدا سوگند

مَالُوا عَنِ الْمَحْجَةِ اللَّائِحَةِ وَزَالُوا عَنْ قَبُولِ الْحُجَّةِ

می خورم که اگر علی علیه السلام را می پذیرفتند_ هرگاه که از راه روشن دور می شدند و از پذیرش پرهان

الْوَاضِحَةِ، لَرَدَّهُمْ إِلَيْهَا وَحَمَلَهُمْ عَلَيْهَا وَلَسَارَ بِهِمْ

اشکار سربازی زدند: او آنها را به راه بازمی گرداند و بقبول حق وادار می ساخت و آهسته آنها را به

سَيِّئًا سُجَّحًا لَا يَكْلُمُ خَشَاشُهُ وَلَا يَكِلُ سَائِرُهُ ﴿١١٨﴾

پیش می برد به طوری که مرکب آسیبی نیندو رونده زحمت نفهمد. ﴿١١٨﴾ و سوار خسته نگردد.

وَلَا يَمَلُّ رَاكِبُهُ وَلَا وَرَدَهُمْ مِنْهَا لَانِمْرًا صَافِيًا

در آبشخوری زلال واردشان می ساخت که از آبی پاک و صاف بهره مند

رَوِيًّا تَطْفَحُ صَفَاتُهُ وَلَا يَتَرَنُّ جَانِبَاهُ وَلَا صَدْرُهُ ﴿١١٩﴾

گردند. آبگیری سرشار و لبالب که از هیچ سوی گل آلود و کدر نبود. ﴿١١٩﴾

بِطَانًا وَنَصَحَ لَهُمْ سِرًّا وَإِعْلَانًا وَلَمْ يَكُنْ يَتَحَلَّى

سیراب بازیشان می گرداند و در پنهان و اشکار خیرخواهی می نمود. این گونه نبود که از دارایی

مِنَ الدُّنْيَا بِطَائِلٍ وَلَا يَحْظِي مِنْهَا بِنَائِلٍ غَيْرَ رِيٍّ

دنیا خود را به زیوری و زیتی بهره مند سازد و بهره ی خویش را فراوان قرار دهد. جز جرعه ای

السَّاهِلِ ﴿١٢٠﴾ وَسُبْعَةِ الْكَافِلِ وَلَبَّانَ لَهُمُ الزَّاهِدُ

که تشنگی را فرو نشاند ﴿١٢٠﴾ و لقمه ای که گرسنگی را برطرف سازد. آن هنگام برایشان آشکار می شد که

مِنَ الرَّاغِبِ وَالصَّادِقُ مِنَ الْكَاذِبِ ﴿١٢١﴾ وَلَوْ أَلَّتْ

زاهد کیست و دنیاخواه کیست؛ درست کردار کلام است و دروغگو کیست! ﴿١٢١﴾ اگر ساکنان آبادی ها

أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَتَوَلَّوْا فَتَنَحَّنَا عَلَيْهِمْ بِرَكَاتِ

ایمان آورده و پرهیزگار می شدند برکات را از آسمان و زمین

مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لِكِن كَذِبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا

بر ایشان می گشودیم ولی تکذیب کردند و به کیفر آن چه انجام

كَانُوا يَكْسِبُونَ»^{۱۲۲} «وَالَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هَؤُلَاءِ

دادند آن ها را گرفتیم^{۱۲۳} و کسانی از اینان که ستم کردند به زودی

سَيُصِيبُهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَمَا هُمْ

نتیجه ی زشت کاری شان به آنان خواهد رسید و نتوانند که به ستیزه جویی

بِمُعْجِرَتِهِ»^{۱۲۴} «أَلَا هَلُمُّ قَاسِمٌ وَمَا عِشْتَ أَرَأَيْتَ

یا خدا... بر خیزند.^{۱۲۵} اکنون بشتاب و بشنو! زمانه چه بسیار امور شگفتی به تو نشان

الدَّهْرُ عَجَبًا. وَإِنْ تَعْجَبْ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ»^{۱۲۶}

خواهد داد! و اگر شگفت زده می شوی پس شگفتی گفتار آنان است!^{۱۲۷}

لَيْتَ شِعْرِي! إِلَىٰ أَيِّ سِنَادٍ اسْتَدُوا؟ وَإِلَىٰ أَيِّ

ای کاش روشن بود به کدام تکیه گاه تکیه زدند؟ و بر چه پشتوانه ای

عِمَادٍ اعْتَمَدُوا؟ وَإِلَىٰ عُرْوَةٍ تَمَسَّكُوا؟ وَعَلَىٰ آيَةٍ

اعتماد ورزیدند؟ به کدام ریسمان آویختند؟ وعلیه کدام ذریه و خاندان

ذُرِّيَّةٍ أَفْدَمُوا وَاحْتَكُوا؟»^{۱۲۸} «لَيْسَ الْمَوْلَىٰ وَلَيْسَ

اقدام کرده و چیره شدند؟^{۱۲۹} چه بلد سرپرستی گرفته و چه بلد

الْعَشِيرُ»^{۱۳۰} «وَبِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا»^{۱۳۱} «اسْتَبَدُّوا

همراهی برگزیدند و برای ستم کاران چه جایگزین ناپسندی است!^{۱۳۲} به خدا سوگند افراد

وَاللَّهِ! الذُّنَابَىٰ بِالْقَوَادِمِ وَالْعَجَزَ بِالْكَاهِلِ. فَرُغْنَا

پست و دنباله رو را بر شریف و بزرگ قوم ترجیح دادند و جای بزرگان را به فرومایگان سپردند.

لِمَعَاطِسٍ قَوْمٍ»^{۱۳۳} «بِحَسْبُونِ أَنْهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا»^{۱۳۴}

به خاک مالیده باد بینی گروهی که «گمان می کنند چه نیکو عمل کرده اند»^{۱۳۵}

﴿أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ﴾^{۱۲۸}

در حالی که آن‌ها تباه‌کارانند ولی نمی‌دانند.

﴿أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُدْعَىٰ بِهَدْيِهِ أَمْ لَئِنْ أُفْسِدُوا لَنَعْلَمَ الْيَوْمَ أَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ﴾^{۱۲۹}

وای بر آن‌ها آیا کسی که به سوی حق هدایت می‌کند شایسته‌ی

بُتبعِ اَمَنِ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ

پیروی است یا کسی که هدایت نمی‌شود مگر آن‌که او را راهنمایی

﴿كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾^{۱۳۰} ﴿أَمَّا لَعْنِي﴾ لَقَدْ لَقِيتُ

کنند. شما را چه شده که این‌گونه داوری می‌کنید!

فَنظَرْتُ رَيْثًا نُنَجِّ ثُمَّ احْتَلَبُوا مِلَّةَ الْقَعْبِ دَمًا

به جانم سوگند که _ فتنه _ به بار نشست پس اندکی صبر کنید تا ثمر دهد. پس با کاسه‌های لبالب _

عَبِطًا وَذُعَافًا مُبِيدًا. هُنَالِكَ بَخَسِرَ الْمُبْطِلُونَ

از این شتر فتنه _ خون تازه بدوشید و سم هلاک‌کننده بگیرید. آن هنگام بیهوده‌کاران زیانکارند. و

وَيَعْرِفُ الْبَطَّالُونَ غَبَّ مَا أَسَسَ الْأَوَّلُونَ ثُمَّ

فرومایگان عاقبت آنچه را که پیشینیان بنیان نهاده‌اند می‌چشند.

طَبَّوْا عَنْ دُنْيَاكُمْ أَنْفُسًا وَاطْمَئَنُّوا لِلْفِتْنَةِ

به دنیای خود خوش باشید و دل به فتنه گرم دارید

﴿جَاسًا﴾^{۱۳۱} وَأَبْشَرُوا بِسَيْفٍ صَارِمٍ وَسَطْوَةٍ مُعْتَدٍ غَاشِمٍ

ولی به شمشیری برنده خود را مژده دهید و چیرگی ستمگری و تجاوز را

وَبَهْرَجٍ شَامِلٍ وَاسْتَبَدَّ مِنَ الظَّالِمِينَ، يَدْعُ

آماده باشید و نیز پریشانی فراگیر و خودرأیی ستمکاران را. که اندکی از

فَيْتَكُمُ زَهِيدًا وَجَمَعَكُمْ حَصِيدًا﴾^{۱۳۲} فَيَا حَسْرَةً

ثروت برایتان بگذارد و جمعیت شما را درو کند. چه پشیمانی‌ها که برای

لَكُمْ! وَأَنَا بِكُمْ!؟ وَقَدْ عُمِيتْ عَلَيْكُمْ

شماست. کجا هستید؟ اینک _ عواقب کار _ بر شما پنهان و پوشیده است؛ آیا شما را به

أَنْزِمُكُمْوهَا وَأَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ^{۱۴۳} قَالَ سُوَيْدُ بْنُ غَفْلَةَ

اجبار به کاری واداریم در حالی که آن را ناخوش می شمارید. ^{۱۴۳} سويد بن غفله می گوید:

فَأَعَادَتِ النِّسَاءُ قَوْلَهَا عَلَيْهِ عَلَى رِجَالِهنَّ فَجَاءَ إِلَيْهَا

زنان سخنان حضرت را بر مردان خویش بازگفتند. به همین دلیل گروهی از مهاجرین

قَوْمٌ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ مُعْتَذِرِينَ وَقَالُوا: يَا

و انصار برای عذرخواهی به نزد ایشان آمده و گفتند: ای بانوی بانوان؛ اگر ابوالحسن

سَيِّدَةُ النِّسَاءِ! لَوْ كَانَ أَبُو الْحَسَنِ ذَكَرَ لَنَا هَذَا الْأَمْرَ

علی ^{علیه السلام} _ این امر را پیش از آن که پیمان برای دیگری جاگیر شده و بیعت محکم

قَبْلَ أَنْ يُبْرَمَ الْعَهْدُ وَيُخَكَّمَ الْعَقْدُ لَمَّا عَدَلْنَا

گردد یادآوری کرده بود ما از او روی گردان نشده و به شخصی دیگر

عَنْهُ إِلَى غَيْرِهِ^{۱۴۴} فَقَالَتْ عَلَيْهَا: إِلَيْكُمْ عَنِّي! فَلَا

راضی نمی شدیم. ^{۱۴۴} فاطمه ^{علیه السلام} فرمود: از من دور شوید؛ پس از یاری نکردن

عُدَّ رُبْعَدَ تَعْدِيرِكُمْ وَلَا أَمْرَ بَعْدَ تَفْصِيرِكُمْ^{۱۴۵}

ما دیگر هیچ بهانه ای ندارید و دیگر بعد از این کوتاهی تان _ در دفاع از حق _ کاری با شما نداریم! ^{۱۴۵}

آدرس آیات

۱. سورة آل عمران ؛ آیه ۱۰۲.
۲. سورة فاطر ؛ آیه ۲۸.
۳. سورة توبه ؛ آیه ۱۲۸.
۴. سورة آل عمران ؛ آیه ۱۰۳.
۵. سورة انفال ؛ آیه ۲۶.
۶. سورة مائده ؛ آیه ۶۴.
۷. سورة توبه ؛ آیه ۴۹.
۸. سورة انعام ؛ آیه ۹۵.
۹. سورة كهف ؛ آیه ۵۰.
۱۰. سورة آل عمران ؛ آیه ۸۵.
۱۱. سورة مائده ؛ آیه ۵۰.
۱۲. سورة مريم ؛ آیه ۲۷.
۱۳. سورة نمل ؛ آیه ۱۶.
۱۴. سورة مريم ؛ آیه ۵ و ۶.
۱۵. سورة انفال ؛ آیه ۷۵.
۱۶. سورة نساء ؛ آیه ۱۱.
۱۷. سورة بقره ؛ آیه ۱۸۰.
۱۸. سورة انعام ؛ آیه ۶۷.
۱۹. سورة هود ؛ آیه ۳۹.
۲۰. سورة آل عمران ؛ آیه ۱۴۴.
۲۱. سورة توبه ؛ آیه ۱۳.
۲۲. سورة ابراهيم ؛ آیه ۸.
۲۳. سورة همزه ؛ آیه ۷.
۲۴. سورة شعراء ؛ آیه ۲۲۷.
۲۵. سورة سبأ ؛ آیه ۴۶.
۲۶. سورة هود ؛ آیه ۱۲۲.
۲۷. سورة مريم ؛ آیه ۶.
۲۸. سورة نمل ؛ آیه ۱۶.
۲۹. سورة يوسف ؛ آیه ۱۸.
۳۰. سورة محمد ؛ آیه ۲۴.
۳۱. سورة مؤمن ؛ آیه ۷۸.
۳۲. سورة مائده ؛ آیه ۸۰.
۳۳. سورة هود ؛ آیه ۴۴.
۳۴. سورة زمر ؛ آیه ۱۵.
۳۵. سورة اعراف ؛ آیه ۹۶.
۳۶. سورة زمر ؛ آیه ۵۱.
۳۷. سورة رعد ؛ آیه ۵.
۳۸. سورة حج ؛ آیه ۱۳.
۳۹. سورة كهف ؛ آیه ۵۰.
۴۰. سورة كهف ؛ آیه ۱۰۴.
۴۱. سورة بقره ؛ آیه ۱۲.
۴۲. سورة يونس ؛ آیه ۳۵.
۴۳. سورة هود ؛ آیه ۲۸.

۱. روز ولادت حضرت فاطمه (س) در چه تاریخی عنوان شده است؟

- (۱) بیستم جمادی الاولی سال پنجم بعثت
- (۲) بیستم جمادی الثانی سال پنجم قبل از بعثت
- (۳) بیستم جمادی الثانی سال پنجم بعثت
- (۴) بیستم جمادی الاولی سال پنجم قبل از بعثت

۲. بتول به چه معناست؟

- (۱) بریده شده و جدا شده
- (۲) بریده و دور از ناپاکی
- (۳) پاک و پاکیزه
- (۴) با خیر و برکت

۳. مقام و منزلت حضرت فاطمه زهرا (س) در نزد خداوند:

- (۱) همتای امیرالمؤمنین و دارای منزلتی عظیم‌تر از سایر ائمه (علیهم السلام) می‌باشد.
- (۲) برابر ائمه طاهرین (علیهم السلام) می‌باشد.
- (۳) برابر با پیامبر اکرم (ص) می‌باشد.
- (۴) برابر با مقام پیامبران اولوالعزم می‌باشد.

۴. حضرت زهرا (س) در چه تاریخی و چند روز بعد از رحلت پیامبر (ص) به شهادت رسیدند؟

- (۱) بیستم جمادی الثانی، ۷۵ روز
- (۲) سوم جمادی الثانی، ۹۵ روز
- (۳) سوم جمادی الثانی، ۷۵ روز
- (۴) بیستم جمادی الثانی، ۹۵ روز

۵. وقف در اصطلاح یعنی ...

- (۱) در مکان توقف کردن
- (۲) حبس نمودن عین ملک و مصرف کردن منافع آن در راه خدا

- ۳) اقامت کردن ، ایستادن
۴) توقف کردن در مکانی برای خدا

۶. کدام گزینه شامل مفهوم باقیات وصال‌هاست
می‌شود؟

- ۱) وقف
۲) صلوات بر محمد و آل محمد(ص)
۳) روزه، حج و جهاد
۴) همه موارد

۷. کدام یک از موقوفات حضرت فاطمه (س)
می‌باشد؟

- ۱) العواف
۲) المیشب
۳) حسنی
۴) همه موارد

۸. نام محلی که قبلاً از اموال یهود «بنی قریظه»
بوده و سپس از رسول خدا (ص) به حضرت
زهرا (س) و ایشان هم آن را وقف نمود
چیست؟

- ۱) برقه
۲) الدلال
۳) العواف
۴) مشربه ام ابراهیم

۹. ملاک و معیار در میزان مال موقوفه چیست؟

- ۱) موقوفات حتماً باید شامل ساختمان و زمین باشد
۲) مال موقوفه باید از اموال قیمتی و با ارزش باشد
۳) لازم نیست حتماً قیمتی باشد و با حقوق اندک نیز می‌توان به
ائمه معصومین(ع) اقتدا کرد

۱۰. برای اینکه در زمره واقفان قرار بگیریم ...

- ۱) به صورت انفرادی باید مال خاصی را وقف کرد
- ۲) فقط با بستگان درجه یک خود می‌توان مالی را وقف کرد
- ۳) وقف به صورت فردی بوده اما یک نفر می‌تواند چند چیز را وقف کند
- ۴) افراد نیکوکاری که علاقه‌ای به واقف شدن دارند می‌توانند جمع شوند و هر کدام به فراخور توان مالی‌شان هزینه‌ای را متحمل شوند

۱۱. بانوی بانوان در خطبه چه چیزی را باعث یکپارچگی دلها عنوان نموده اند؟

- ۱) به راستی سخن گفتن
- ۲) صله رحم
- ۳) عدل
- ۴) تلاوت قرآن

۱۲. بانوی اهل بهشت می‌فرمایند: (خداوند همه چیز را آفرید ولی نه از چیزی که پیشتر وجود داشته باشد)؛ این کلام یعنی آن که:

- ۱) جهان همیشه وجود داشته و مانند خداوند ازلی است.
- ۲) وجود آفریده‌ها از خداوند نشئت گرفته و خداوند آنها را از وجود خویش آفریده است.
- ۳) میان آفریدگار و ماده وجود آفریدگان سنخیت وجود داد.
- ۴) همه موجودات بدون سابقه به قدرت خداوند به وجود آمده‌اند، نه اینکه خداوند یا هرچیز دیگری ماده وجود آنها باشد.

۱۳. در خطبه‌ی بانوی آسمانی کدام تعبیر زیر در مورد رحلت پیامبر اکرم (ص) به کار رفته است؟

- ۱) بی‌ثمر شدن درخت آرزوها
- ۲) گریان شدن فرشتگان از خالی ماندن محراب عبادت ایشان
- ۳) تعطیل شدن وحی
- ۴) همه موارد

۱۴. دختر گرامی پیامبر (ص) وضعیت پیش از آفرینش موجودات را چگونه توصیف کرده است؟

- (۱) پوشیده بودن در پرده غیب
- (۲) رایحه وجود را استشمام نکرده بودند
- (۳) در پوششی ترسناک محفوظ بودند
- (۴) موارد ۱ و ۳

۱۵. حضرت صدیقه طاهره (س) از عبارت (پیشوای حقی از سوی خدا در میان شماست. پیمانی که پیشتر از شما گرفته و بازمانده‌ای که بر شما جانشین قرار داده است) کدام یک از گزینه‌های عنوان شده منظور ایشان بوده‌اند؟

- (۱) قرآن کریم
- (۲) احادیث پیامبر
- (۳) امام امیرالمؤمنین علی (ع)
- (۴) همه موارد

۱۶. در خطبه بانوی مینوی کدام یک از ویژگی‌های زیر از اوصاف امام علی (ع) معرفی شده است؟

- (۱) کتاب‌گویای خدا و قرآن صادق
- (۲) شخصی که مردم بر پیروان او رشک می‌برند
- (۳) گوش سپردن به او مایه نجات است
- (۴) همه موارد ذکر شده

۱۷. در کلام نورانی بانوی نور پایداری و اخلاص ثمره کدام فریضه عنوان شده است؟

- (۱) حج
- (۲) جهاد
- (۳) نماز
- (۴) روزه

۱۸. طبق فرمایش حضرت زهرا (س) نیکویی
به خویشاوندان و صله ارحام باعث چه خیر و
برکتی در زندگی افراد می شود؟

(۱) فزونی نفرات

(۲) برچیده شدن کینه‌ها

(۳) طول عمر

(۴) موارد ۱ و ۳

۱۹. در کلام یادگار نبوت، پیروی از اهل بیت
(ع) و پیشوایی آنان موجب چه نتیجه‌ای عنوان
شده است؟

(۱) رستگاری و خشنودی پروردگار

(۲) همبستگی امت و ایمنی آنان از تفرقه

(۳) تعالی روح و استقرار عدالت

(۴) نورانیت قلب و فرار شیطان

۲۰. در خطبه فدکیه، شراب‌خواری باعث دچار
انسان به چه چیزی است؟

(۱) پلیدی

(۲) دروغ‌گویی

(۳) خیانت

(۴) فراموشی عهد و پیمان

۲۱. کدام ویژگی در آمدن بانوی گرامی اسلام
به سوی مسجد ذکر شده و روایات آن را
بصورت علامت مشخصه نقل کرده‌اند؟

(۱) چادر ایشان چندان بلند بود که حضرت پا بر پایین دامن آن می
گذاشته‌اند.

(۲) راه رفتن ایشان شبیه راه رفتن پدر ارجمندشان بوده است.

(۳) در میان بانوان خویشاوند و نزدیکان خود حرکت فرمودند و
تنها نبودند.

(۴) گزینه مورد نظر همه موارد است.

۲۲. چهره حقیقت پیدا و هیاهوی شیطان
خاموش شد) عبارت ذکر شده در خطبه
نتیجه‌ی کدام گزینه زیر عنوان شده است؟

- (۱) جهاد مؤمنان
- (۲) زحمات امام علی (ع) در جنگ‌ها
- (۳) تلاوت قرآن
- (۴) رسالت پیامبر گرامی اسلام (ص)

۲۳. عبارت (ماه شب چهارده و بدر کامل)
تعبیری است که حضرت فاطمه (س) در ابیات
شکواییه خود نسبت به به کار برده اند!

- (۱) قرآن کریم
- (۲) پیامبر خدا (ص)
- (۳) امام امیرالمؤمنین علی (ع)
- (۴) اسلام و احکام نورانی آن

۲۴. حضرت زهرا (س) عبارت (سیداً فی
اولیاء الله؛ او در میان دوستان خدا از همه برتر
و سرور آنان بود) را درباره‌ی کدام شخصیت
بیان داشتند؟

- (۱) رسول خدا (ص)
- (۲) امام علی (ع)
- (۳) ابوطالب
- (۴) حمزه سیدالشهداء

۲۵. حضرت فاطمه (س) چه عاملی را باعث
سکوت مردم در برابر زمامدار غاصب و
مخالفان اهل بیت رسالت عنوان کردند؟

- (۱) ترس و واهمه از کشته شدن
- (۲) عدم آگاهی توده‌های مردم
- (۳) حضور مجاهدان در میادین نبرد
- (۴) پستی، تن‌پروری و راحت طلبی

۲۶. آیه شریفه (وورث سلیمان داوود؛ سلیمان از داوود ارث برد) برای چه مطلبی از سوی بانوی نور مورد استشهاد قرار گرفت.

(۱) دروغ بودن ادعای زمامدار مبنی بر شنیدن حدیثی از پیامبر (ص) که پیامبران ارث نمی گذارند.

(۲) اثبات حق خمس برای اهل بیت

(۳) اثبات ارث رسیدن خلافت به امام علی (ع)

(۴) گزینه ی مورد نظر ارائه نشده است.

۲۷. تنها نقل قول و روایتی که حضرت زهرا(س) از پدر بزرگوارشان به صورت صریح در خطبه خود بیان داشته اند حدیث است!

(۱) فاطمة بضعة منی

(۲) المرء یحفظ فی ولده

(۳) ابنتی سیده نساء اهل الجنة

(۴) فاطمة حوراء انسیة

۲۸. حضرت زهرا(س) چه ویژگی هایی از امام علی(ع) را باعث ناخشنودی مردم از زمامدار شدن حضرتش عنوان فرمود؟

(۱) سخت گیری اش در راه خدا

(۲) پایمردی اش درباره فرامین الهی

(۳) سختی و تلخی شمشیر ایشان

(۴) همه موارد

۲۹. حضرت زهرا(س) نتایج شوم زمامداری مخالفان را برای زنان مدینه برشمردند. کدام گزینه از فرمایشات ایشان نیست؟

(۱) ستم چیرگی خواهد یافت

(۲) شمشیری برنده که جمعیت ها را درو خواهد کرد

(۳) پریشانی فراگیر و خودرأیی ستمکاران در اداره حکومت

(۴) فرو ماندن سنت ها و فرامین بر زمین

۳۰. حضرت فاطمه (س) در اشعار شکواییه خویش از ستم منافقان و مخالفان نام برده است. کدام مصرع اشاره‌ی صریح‌تر به این موضوع دارد؟

- (۱) فَلَيْتَ قَبْلَكَ كَانَ الْمَوْتُ صَادِقًا
- (۲) تَجَهَّمْتَنَا رَجَالٌ وَاسْتُخِفَ بِنَا
- (۳) وَاخْتَلَّ قَوْمُكَ فَاشْهَدَهُمْ وَلَا تَعْب
- (۴) فَقَدْ فَقِدْتَ وَكُلُّ الْخَيْرِ مُحْتَجِبٌ

۳۱. حضرت زهرا (س) چه فرضیه‌ای را موجب پاک شدن انسان از صفت زشت خودبینی و تکبر دانسته‌اند؟

- (۱) نماز
- (۲) حج
- (۳) زکات
- (۴) روزه

۳۲. برترین بانوی آفرینش چه چیزی را به شتر مهار شده و آماده‌ی سواری تشبیه فرمود؟

- (۱) اموال به جا مانده از رسول خدا (ص)
- (۲) حکومت و خلافت فرستاده‌ی خدا در امر زمامداری مردم
- (۳) تصدی امر قضاوت
- (۴) تفسیر به رأی قرآن و اجتهاد در مقابل نص

۳۳. حضرت زهرا (س) صبر و شکیبایی اهل بیت (ع) را مقابل توطئه و فریب به ظاهر مسلمانان را به چه تشبیه کردند؟

- (۱) مانند کسی که در مقابل کفار به تنهایی به جنگ می‌رود.
- (۲) همچون کسی که بر زخم چاقو و فرو رفتن نیزه در شکم شکیبایی کند.
- (۳) مانند روزه‌داری که بر تشنگی و گرسنگی صبر کند.
- (۴) همه موارد

۳۴. تعبیر دختر فرستاده خدا از مردمی که
پیمان غدیر را شکستند و در یاری ایشان
کوتاهی کردند چه بود؟

- (۱) مردمی که فریادهای دعوت شیطان گمراه را پاسخ گفتند.
- (۲) به بهانه گرفتن کف روی شیر (جلوگیری از فتنه) همه ی آن را نوشیدند (خلافت را غصب کردند)
- (۳) نقاب بر سر کشیده و به دنبال خانه نشینی و فلاکت خاندان و فرزندان پیامبرند.
- (۴) همه موارد.

۳۵. در خطبه فدکیه حضرت فاطمه (س) در
جواب کسانی که گفتند کسی از پیامبر (ص)
ارث نمی برد به کدام آیه استناد کردند؟

- (۱) سوره بقره آیه ۱۸ «إِنْ تَرَكَ خَيْرُ الْوَصِيَّةِ لِلْوَٰلِدَيْنِ وَ الْاَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ»
- (۲) سوره مریم آیه ۵ و ۶ «فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرْثُنِي وَ يَرِثْ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ»
- (۳) سوره انفال آیه ۷۵ «وَ اُولَ الْاَرْحَامِ بَعْضُهُمْ اَوْلٰى بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللّٰهِ»
- (۴) همه موارد

۳۶. بانوی دو عالم در خطبه، خلافت و فدک را
به چه چیزی تشبیه کردند؟

- (۱) شتری که پشتش زخمی و پایش لنگ است.
- (۲) باغ بی ارزشی که ارزش معنوی ندارد.
- (۳) آتش جهنم برای غاصبین آن
- (۴) هیچکدام

۳۷. کدام یک از گزینه های زیر از علت های
آفرینش موجودات توسط خداوند در خطبه
فدکیه بیان نشده است؟

- (۱) خداوند موجودات را آفرید تا حکمتش را اثبات کند.
- (۲) خداوند موجودات را آفرید تا قدرتش را نمایان سازد.
- (۳) خداوند موجودات را آفرید تا سودی از صورت بخشی آنها حاصلش گردد.
- (۴) خداوند موجودات را آفرید تا دعوتش را عزت و ارجمندی بخشد.

۳۸. طبق فرمایش حضرت صدیقه کبری (س)
کدام یک از گزینه‌های زیر از نتایج رسالت
پیامبر اکرم (ص) شمرده شده است؟

- (۱) چهره حقیقت پیدا و نمایان شد.
- (۲) هیاهوی شیطان‌ها خاموش شد.
- (۳) یاران کفر و شرک به مصاف روی آوردند.
- (۴) گزینه‌ی ۱ و ۲

۳۹. حضرت زهرا (س) در خطبه فدکیه وجود
پیامبر اعظم (ص) را مایه دستیابی به کدام یک
می‌دانند؟

- (۱) حجت‌های نورانی خداوند
- (۲) بهشت
- (۳) قرب خداوند
- (۴) رضوان خداوند

۴۰. حضرت فاطمه (س) کدام واقعه را
بزرگ‌ترین مصیبت عنوان نموده‌اند؟

- (۱) رحلت رسول خدا
- (۲) کشته شدن مؤمنان در میدان نبرد
- (۳) نزول عذاب الهی بر امت‌ها به خاطر مخالفت با آموزه‌های الهی
- (۴) فراموشی یاد خدا

توضیحات شرکت در مسابقه کتاب «پیام یاس نبوی»

شرکت‌کننده‌ی عزیز!

ضمن تسلیت شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها، حضور گرم شما را در مسابقه‌ی پیام یاس نبوی ارج نهاده و توجه شما را به نکات ذیل جلب می‌نماییم.

۱. شرکت برای عموم علاقمندان بالای ۱۲ سال آزاد می‌باشد.
۲. رونویسی از پاسخنامه دیگران شرعاً جایز نمی‌باشد.
۳. با مطالعه‌ی دقیق کتاب، پاسخ پرسش‌های مطرح شده را در پاسخ نامه درج نمایید.
۴. مشخصات خود را به طور کامل در محل کادر مربوطه در پاسخنامه، با ذکر نام استان، نام شهر، آدرس دقیق پستی، کدپستی و شماره تلفن ثابت و همراه درج نمایید.
۵. کپی پاسخنامه در صورت عدم تغییر در اندازه قابل قبول است.
۶. مهلت ارسال پاسخنامه حداکثر تا تاریخ ۱۵ خردادماه سال جاری برابر ۱۳ رجب ۱۴۳۳ هجری قمری سالروز ولادت با سعادت امام همام امیرالمومنین علی (علیه السلام) می‌باشد.
۷. شرکت‌کنندگان می‌توانند از دو طریق در مسابقه شرکت نمایند:
الف) ارسال پستی پاسخنامه به آدرس قم صندوق پستی ۱۶۸-۳۷۱۳۵
ب) از طریق پیام کوتاه به شماره ۱۰۰۰۱۱۴
۸. شرکت‌کنندگان محترمی که توسط سامانه پیام کوتاه در مسابقه شرکت خواهند نمود می‌بایست پاسخ سئوالات را که به صورت یک عدد چهل رقمی است (بترتیب از چپ به راست) به شماره پیامک ۱۰۰۰۱۱۴ ارسال نمایند.
۹. اولویت نخست در قرعه‌کشی با شرکت‌کنندگان محترمی است که به صورت ارسال پستی پاسخ نامه در مسابقه شرکت نموده‌اند و در اولویت دوم قرعه‌کشی از بین شرکت‌کنندگانی که با ارسال پیامک در مسابقه شرکت نموده‌اند انجام خواهد شد.
۱۰. قرعه‌کشی ۱۵ تیرماه مصادف با نیمه شعبان، میلاد حضرت ولیعصر (عج)، انجام و از طریق سایت سازمان اوقاف و امور خیریه به نشانی www.awqaf.ir و سایت معاونت فرهنگی به نشانی www.mfso.ir و سایت مجتمع فرهنگی پژوهشی معاونت فرهنگی به نشانی www.mfpo.ir اعلام خواهد شد.

فرم پاسخ نامه مسابقه‌ی کتابخوانی «پیام یاس نبوی»

نام:

نام خانوادگی:

نام پدر:

شماره شناسنامه یا کدملی:

تاریخ تولد:

شغل:

تلفن همراه:

تلفن تماس به همراه کد شهر:

کدپستی:

نشانی دقیق پستی:

۴	۳	۲	۱	
				۲۱
				۲۲
				۲۳
				۲۴
				۲۵
				۲۶
				۲۷
				۲۸
				۲۹
				۳۰
				۳۱
				۳۲
				۳۳
				۳۴
				۳۵
				۳۶
				۳۷
				۳۸
				۳۹
				۴۰

۴	۳	۲	۱	
				۱
				۲
				۳
				۴
				۵
				۶
				۷
				۸
				۹
				۱۰
				۱۱
				۱۲
				۱۳
				۱۴
				۱۵
				۱۶
				۱۷
				۱۸
				۱۹
				۲۰

جوايز مسابقة پیام یاس نبوی:

۱۸ نفر کمک هزینه حج عمره

۷۲ نفر کمک هزینه سفر به عتبات عالیات

۱۸ نفر کمک هزینه سفر به سوریه

۱۸ نفر کمک هزینه سفر به مشهد مقدس

۱۱۸ قلم هوشمند قرآنی

و دهها جوايز ارزشمند ديگر